۸ تیرسالروزشهادت رفیق
حمیداشرف رهبرکبیرسازمان و
ده فدائی دیگرگرامی باد

کار

سه شنبه ۳ تیر ۱۳۵۹

کارگران وزحمتکشان
متحد شوید

سال اول ـ شماره ۶۴ | سازمان چریکهای فدائی خلق ایران | ۱۲صفحه ـ قیمت ۲۰ ریال

نوار آیت و اختلافات بنی صدر با سران حزب جمهوری اسلامی

اینک پس ازمدتها درگیری بین دوجناح اصلی هیئت حاکمه ، یعنی طیف لیبرالها بارهبری بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی به رهبری آیت الله بهشتی ، بالاخره با انتشار متن نوار سخنان آیت ، (بصورت سانسور شده و حذف نام عده‌ای از سران حزب جمهوری اسلامی نظیر بهشتی و رفسنجانی) ، برخوردهای حاد درونی هیات حاکمه رسما" بر ملا گشت .

اقدام بنی صدر در روزنامه "انقلاب اسلامی" در درجه اول بیانگر اوج درگیری و تشدید بحران در هیات حاکمه است . تعارضات بین دوجناح در طول حیات جمهوری اسلامی بسا شدت وضعفهای مختلف جریان داشته است اما مطالعه عینی خط سیر این منازعات نشان میدهد که متناسب با اوج گیری و گسترش دامنه بحران اقتصادی و سیاسی جامعه و رشد مبارزه طبقاتی ، در مجموع تضادها نیز آنان نیز دچار تغییرات جدیدی شده است . هردگرگونی ملموس در مبارزات توده‌ها ، با درگیریهای درونی جدید و حادی که در هیات حاکمه رخ میداد ، گره خورده است . موضوعاتی که اکنون در کانون درگیریهای بین دوجناح قرار دارند ، عبارتند از :

بقیه در صفحه ۲

آقای بنی صدر و سیاستهای حاکم بر "کمیته مرکزی"

● مذاکره ارموضع تسلیم طلبانه هیچ اشتراکی با مارکسیسم ـ لنینیسم انقلابی ندارد .

مادربیانیه "خودمتذکر درجدائی بین ما" اکثریت شدیم که عامل تعیین کننده کمیته مرکزی" اینست که

حزب توده و بخش دولتی اقتصاد

مبارزه پیگیر با اپورتونیسم در جنبش کارگری ایران بطور اعم ، ومبارزه برعلیه حزب توده این لانه متعفنی که مدتهاست به درجه ای از اضمحلال ، گندیدگی وارتداد رسیده است که مبلغ سازش طبقاتی ، انکار مبارزه طبقاتی ، ردهژمونی وانقلاب پرولتاریائی است ، بطور اخص وظیفه ای است بردوش همه نیروهای انقلابی ومؤمن به مارکسیسم ـ لنینیسم .

بقیه در صفحه ۶

مجلس شورا وبحران هیئت حاکمه

سرانجام آخرین اقدام جمهوری اسلامی برای تثبیت نهادهای قانونی شکل نهائی بخود گرفت ومجلس شورای ملی با تصویب اعتبارنامه اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان آماده قانونگذاری میشود . درمورد انتخابات اولین مجلس شورای ملی تاحدودزیادی نیروهای مترقی وانقلابی افشاگری نموده‌اند . وبهرحال تاکنون (جمعه ۵۹/۳/۳۰ که این مقاله نوشته شده است) اعتبارنامه دویست نفر از نمایندگان به تصویب رسیده است . آخرین جلسات رسمی وعلنی مجلس همراه با جبهه گیریهای شدید نیروهای درون مجلس علیه یکدیگر بود .

بقیه در صفحه ۳

سخنی با هواداران

رفقا ، ازهنگامیکه مبارزه ایدئولوژیک درون سازمان را پی گرفتیم زمان زیادی نگذشته . دلائلی که ما را بر آن داشت تا درمقابل سنگ اندازیهای برنامه ای رهبری کمیته مرکزی" قاطعانه اقدام نمائیم قبلا" توضیح داده‌ایم . حرکت انقلابی ما درمیان جریانات سیاسی ، نیروهای انقلابی ودموکرات وانبوه وسیع هواداران انعکاسات متفاوتی داشت . حزب توده باخشم وغضب ما را "طعنه زن" نامید واکثر سنوات تمام سازمان را بسوی خود (یعنی مجلات اپورتونیسم) بکشد ، حذاتل این بوروی رابدست آوردکه

بقیه در صفحه ۴

دراین شماره

بررسی مختصر جنبش کارگری در ده سال گذشته
شکل گیری نخستین نطفه های مستقل جنبش کارگری
طرح مرحله دوم ترافیک
واعتراض رانندگان تاکسی
پاسخ به سوالات ۲
اخبار کارگری
آقای قدوسی نیمساران جنایتکار را آزاد می کند!
هشداربه هواداران

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

گرامی باد خاطره فدائی کبیر رفیق حمید اشرف

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سه شنبه ۳ تیر ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۶۴- صفحه ۲

۱- تعیین نخست وزیر و کابینه ۲- جنگ در کردستان و مسئله مذاکره ۳- سرنوشت گروگانها که خود بیک امر مهم در مناسبات دیپلماتیک بین حکومت جمهوری اسلامی و دول امپریالیستی بدل گشته است ۴- مساله دانشگاهها و "انقلاب فرهنگی" ۵- ارگانیزه کردن عملکرد قوای نظامی دولت .

بنی صدر اگرچه توطئه آیت علیه خود را محدود بفرد او نکرد وبطور مبهم ودوپهلو از شرکت سایر سران حزب جمهوری اسلامی سخن گفت ، اما هیچگاه خود را وارد درگیریهائی با آنان نکرده است ، زیرا می خواهد با تهاجم وتهدید ، حریف را تنها وادار به عقب نشینی وپذیرش سیاست مورد نظر خود نماید . نوار سخنان آیت از مدتها پیش - از دوره تهاجم اخیر به جنبش انقلابی دانشجویان - در دست بنی صدر بود . اما او برای استفاده بموقع از آن منتظر فرصت مناسب بود .

از طرف دیگر در شرایط کنونی حزب جمهوری اسلامی بسی صبرانه در آرزوی گشایش مجلس بود . فراکسیون حزب جمهوری اسلامی محور مقابله با بنی صدر را در مجلس تدارک می دید .

در شرایطی که مجلس میرفت تا اولین مسائل مربوطه را در دستور بحث نمایندگان بگذارد ، بنی صدر بهترین لحظه را از نظر سیاسی برای فرود آوردن ضربه انتخاب نمود . او چنین می اندیشید که بکارگیری این تاکتیک در شرایط مناسب می تواند بخش وسیعی از جناح میانی مجلس را بسمت خود سوق داده و موقعیت رئیس جمهور را در مجلس بویژه در آستانه تعیین نخست وزیر و کابینه در مقابله با فراکسیون حزب جمهوری اسلامی بهبود بخشد . بدون در نظر گرفتن این ویژگی پاسخ باین سئوال که چرا بنی صدر لحظه کنونی را برای انتشار متن نوار انتخاب نموده است ممکن نیست . این عمل برای سران حزب جمهوری اسلامی غافلگیر کننده بود . زیرا بهشتی و رفسنجانی در در مصاحبه های اخیر خود باین امر که بنی صدر بر خلاف قرارهای مورد توافق عمل نموده است ادعان داشته و نسبت به آن شدیدا "اظهار نگرانی نمودند .

بنی صدر تاکنون سنگرهای مستحکم حزب جمهوری را با عناوینی نظیر "دخالت افراد غیر مسئول در امور اجرائی" و نیز "وجود مراکز غیر قانونی قدرت" مورد حمله قرار داده بود . او با استفاده از موقعیت خود در مقام رئیس جمهور یعنی بالاترین مرجع اجرایی و فرمانده کل قوای مسلح، به مناطق تحت نفوذ این حزب بطور غیر قابل تحملی حمله کرده است ! متن سخنان آیت نشان میدهد که طرح و اجرای "انقلاب فرهنگی" از جانب "حزب" از یک نظر ضد حمله وی علیه لیبرالها بوده است . سپاه پاسداران ، کمیته ها ، جهاد سازندگی ، و انجمنهای اسلامی مورد تهدید جدی لیبرالها بر هبری بنی صدر قرار داشت . او با اقدام در جهت انتخاب فرمانده سپاه پاسداران ، طرح ادغام کمیته ها در شهربانی ، تبلیغ و جذب هرچه بیشتر انجمنهای اسلامی ، گامهای موثری را در جهت تضعیف "حزب" برداشته بود .

حزب جمهوری اسلامی این نکته را بخوبی درک کرده است که موفقیت رئیس جمهور در انتخاب نخست وزیر و کابینه ضربه

نوار آیت و اختلافات ...

بقیه از صفحه ۱

جبران ناپذیری در جهت محدود کردن حزب خواهد بود . در مقابل بنی صدر نیز عمیقا "دریافته بود که کشانده شدن میدان جنگ به درون مجلس نمی تواند بسود او خاتمه یابد . اولین تاکتیک او برای تعیین نخست وزیر تا قبل از گشایش مجلس با عکس العمل شدید سران حزب جمهوری اسلامی در شورای انقلاب مواجه و بشکست کشیده شد . از سوی دیگر حزب جمهوری نمی توانست برای حفظ مواضع و تسخیر مواضع جدید پوشش قانونی رسمی نداشته باشد . گشایش مجلس و برتری فراکسیون "حزب" این اجازه را به حزب میداد که در اعمال قدرت و پیشبرد سیاست مورد نظر خود بر وکالت مبتنی بر انتخابات "امت" تکیه کند . آنها با این فکر که بنی صدر قادر به مبارزه با آنان ، پس از تشکیل مجلس که دیگر بعنوان نمایندگان "منتخب مردم" تلقی می شوند ، نیست ، خود را برای قانونی کردن "مراکز غیر قانونی قدرت" آماده می کردند . حزب می خواهد هرچه سریعتر به حمایت توده ای خود جنبه قانونی ببخشد . آغاز کار مجلس قدرت "حزب را قانونی می کند و این مسلما "تعادل قوا را در جنگ بین "حزب" و رئیس جمهور ، به نفع "حزب" تغییر خواهد داد . حزب تا قبل از این (انتشار نوار متن سخنان آیت) بیشترین شانس تعیین نخست وزیر و کابینه را برای خود در نظر گرفته بود . اما اقدام آیت موقعیت و میدان جدیدی را برای رئیس جمهور در اعمال مانورهای جدید فراهم کرد . سلاحی را که آیت عملا" بدست بنی صدر سپرده بود اینک حزب را بشدت در موضع دفاعی قرار داده است . مواضع نسبتا "متفاوت بهشتی ، رفسنجانی ، خامنه ای و روزنامه جمهوری اسلامی پیرامون سخنان آیت خود بیانگر بروز نوعی تشتت در صفوف حزب جمهوری اسلامی است . اما در مجموع تاکتیک حزب دفاع ضمنی از آیت و حمله متقابل به بنی صدر بوده است . روزنامه جمهوری اسلامی ، ارگان رسمی حزب ، در مقاله ای تحت عنوان "وپی آمد ها . . ." بطور جدی لیبرالها و بنی صدر را تهدید به مقابله نموده است . " . . . مقابله روحانیت با روشنفکران از یکسو و مقابله با رئیس جمهور از سوی دیگر و این در حالتی است که روحانیت به موضع دفاع از دکتر آیت کشانده شود . "

در این میان زمین بکر توده ها شخم خواهد خورد ، در گیری این دو جناح پرده ها را کنار خواهد زد و در لحظات بحرانی بیش از پیش ماهیت آنان را برای توده ها بیشتر از پیش ، آشکار و روشن می کند .

نوار سخنان آیت و نیز بطور کلی برخوردهای حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها در مجموع نشان میدهد که در شرایط کنونی آنها علیرغم اختلافات فراوان در زمینه روشها و شیوه های کار در یک امر اساسی اشتراک نظر دارند :

استفاده فریبکارانه از مبارزات ضدامپریالیستی توده ها جهت فرونشاندن بحران سیستم سرمایه داری وابسته ایران و در این زمینه ، روزنامه جمهوری اسلامی در مقاله ای تحت عنوان "هرکارخانه را یک دانشگاه کنید" شنبه ۳۱ خرداد می نویسد :

"وبطور خلاصه گفتیم که امپریالیزم میخواهد ، کارگران را به انحراف از خط انقلابی و ضدامپریالیستی تولید بیشتر و راحت طلبی کمتر وادارد . امپریالیزم می خواهد که توده های میلیونی کارگر را به مرور وادار به سوء استفاده های فرصت طلبانه ای از انقلاب و عدول از خط مشی انقلابی خود نماید ."

(تاکید از روزنامه)

حزب جمهوری اسلامی در همین نکته اساسی با لیبرالها اشتراک نظری یافته است که بیانگر ماهیت طبقاتی آنست :

"تولید بیشتر و راحت طلبی کمتر" . آنها با این شعار که مبارزه ضدامپریالیستی و انقلابی همانا "تولید بیشتر و راحت طلبی کمتر" است ماهیت بورژوائی سیاست خویش را عریان می سازند .

سران جمهوری اسلامی به طبقه کارگر نمی گویند که "تولید بیشتر" در سیستم سرمایه داری وابسته ایران هیچ معنائی بجز استثمار و بهره کشی طبقه کارگر به نفع سرمایه داران ، و تحکیم سلطه اجتماعی بورژوازی ندارد . درحقیقت سران حزب جمهوری اسلامی با ایدئولوژی مذهبی خود پوشیده ترین و پیچیده ترین شکل ترمیم مناسبات موجود و دفاع از بورژوازی را در سیاستهای خویش بنمایش گذارده اند .

نکته قابل توجه در بیان این مطلب از سوی روزنامه جمهوری اسلامی است که روحانیت در صورت عدم دفاع از آیت به موضع غرب زدگان و لیبرالها کشانده خواهند شد : " مساله روحانیت در این موقعیت از دیدگاه دیگر نیز قابل بررسی است و آن اینکه از موضع عدم دفاع از آیت به موضع دفاع از غرب زدگان و لیبرالها کشانده شود . راه بسیار باریک است و در این معرکه تنها روی آوردن به مکتب و علوم سیاسی کاری بمعنای ماکیاولیستی آن میتواند نجات دهنده باشد " (وپی آمدها . . .)

اینجا در حقیقت حزب جمهوری اسلامی به نکته قابل توجهی اشاره می کند وقتی می گوید : درگذار از موضع روحانیت به موضع لیبرالها "راه بسیار باریک است " . زیرا واقعیات عملکرد سران این "حزب" ، با استفاده از ناآگاهی و توهمات توده ها در پروسه گذشته این مطلب را بخوبی آشکار کرده است که این جناح اساسا " از موضع دفاع از بورژوازی و زمین داران حرکت کرده است و نه دفاع از منافع طبقاتی خرده بورژوازی ایکه از این "حزب" پشتیبانی میکنند . سخنان آیت در رابطه با لیبرالها نیز صحت این نظریه را تائید می کند که تضاد محوری سران حزب جمهوری اسلامی از یکسو و لیبرالها و بنی صدر از سوی دیگر با توجه به ویژگی های متفاوت ایدئولوژیکی و فرهنگی شان چیزی جز مبارزه برای کسب قدرت برتر و تعیین سیاست حاکمیت و اعمال هژمونی نیست .

* * *
* *
*

کمکهای مالی دریافت شده

رفقا ! با کمکهای مالی خود سازمان را در اجرای وظایف انقلابیش یاری رسانید . کمکهای خود را با ذکر "کد" برای ما بفرستید و چنانچه پس از سه هفته (کد + مبلغ) چاپ شده بما یادآوری کنید . امانت رسید .

آ		پ	
۱۰۲۳۰		۶۲۴	
الف		ح	
۱۴۳۳		۲۰۱۷۸	
۵۰۲۲۴		۱۱۷۶	
۵۰۸۲۶		۶۸۲۹	
۵۳۰		۵۰۴۲۰	
ب		د	
۱۹۹۹		۱۰۰۴۳۶	
۶۱۴۲		۵۰۲۲۵	
۲۰۱۱		۳۰۰۰	
۱۹۸۷		ر	
		۱۰۰۸۲۵	

ر		ع		م	
۱۳۳۳		۵۰۰۰		۵۰۴۲۱	
۱۳۳۳		ف		۵۰۱۴۵	
ز		۵۱۰۸		۱۰۰۴۱۹	
۱۰۰۸۲۳		۱۰۰۴		۲۴۴۹	
۵۰۰۲		۲۲۲۲		۴۸۳۳۳	
ژ		۱۰۷۲۱		۷۹۸۷	
۵۵۵۵		ف ـ س		ن	
س		۱۲۰۳		۵۰۱۴۷	
۸۳۳		ق		۶۲۶۰۰	
۸۱۴۷		۲۵۶۸		ه	
۱۰۳۶		۲۰۱۲۱		۵۰۸۲۴	
۸۰۱۴۳		۵۰۱۴۸		ه ـ ا	
ص		۱۰۰۲۲۶		۵۷۵	
۷۰۲۲۳		ک		ی	
۳۱۳۲		۳۱۱۱		۳۱۹۵	
۵۱۲۶		ل		۷۰۱۴۳	
ع		۴۰۰۰۰		۵۰۱۴۶	
۱۲۳۸					
۱۱۱۱					

نبرد خلق

ارگان تئوریک ـ سیاسی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

منتشر می شود

استقلال ـ کار ـ مسکن ـ آزادی

سه‌شنبه ۳ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۴ ـ صفحه ۳

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار

مجلس شورا و ...

بقیه از صفحه ۱

در یک نگاه سطحی، به مجلس نمادهای جناحهای مختلفی را میتوان مشاهده کرد. صف بندی احزاب و جناحهای سیاسی در مجلس را میتوان بقرار زیر خلاصه نمود:

۱ـ حزب جمهوری اسلامی و متفقین آن ـ این حزب که در انتخابات رئیس جمهوری نتوانسته بود پشتیبانی کامل روحانیت مبارز تهران و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را بدست آورد و پس از ترور "علی تهرانی" در مورد خلال الدین فارسی و ضعیت ضعیفی در صحنه انتخابات رئیس جمهوری پیدا کرد با توسل جستن به یکی از نزدیکان بنی صدر یعنی حسن حبیبی، عملاً "بنی صدر را که تا زمیدان نبود. این حزب در انتخابات ریاست جمهوری با موتلفین خود و مجموعه با پشتیبانی حزب توده در سراسر ایران مجموعاً "حدود ۶۰۰ ـ هزار رای بدست آورد. این حزب با در دست داشتن اهرمهای قدرت و پشتیبانی جامعه روحانیت مبارز تهران (که البته با حذف و اعتراض بعضی از عناصر این جامعه همراه بود) همراه با تقلبات بسیار در انتخابات مجلس شورای ملی بزرگترین جناح مجلس را تشکیل داده و حدوداً نود نماینده بطور بالفعل در اطراف این حزب متشکل هستند.

۲ـ دفتر هماهنگی با رئیس جمهور (جناح بنی صدر) ـ این جناح تشکل حزبی نداشته و پیرامون رئیس جمهور و روزنامه انقلاب اسلامی متشکل شده اند و گروهی از لیبرالها و تعدادی از روحانیون و خلاصه تعدادی از تکنوکراتها و بوروکراتها متشکل شده اند. از چهره های این جناح میتوان از احمد سلامتیان، حسن حبیبی، عزت الله سحابی، آیت الله لاهوتی ... نام برد. پیرامون این جناح حدوداً "۴۵ نماینده متشکل شده اند.

۳ـ جناحهای مختلف سهمت آزادی (همنام) ـ این جناح که از سیاستمداران با سابقه تشکیل شده است و حدوداً "۱۵ نماینده را متشکل نموده است، بازرگان، یدالله سحابی، یزدی، چمران، وصباغیان و ... در این جناح قرار دارند.

۴ـ منفردین ـ منفردین خود به دو دسته تقسیم میشوند دسته اول کسانیکه علیرغم ادعای خود با پشتیبانی یکی از سه جناح بالا انتخاب شده اند و یا سیاستهای اساسی آنها عملاً همسو با یکی از جناحهای سه گانه درون مجلس می باشد مثلاً "افرادی چون حسینی کرمانی، دکتر سامی علیرغم تضادهائی عملاً "در جناح بنی صدر ـ همام قرار میگیرند.

دسته دوم عناصری که دارای گرایشات ضد امپریالیستی بوده و عملاً "ورنه ضعیفی را در مجلس تشکیل میدهند از این دسته بندی ظاهری که بگذریم تضادهای درون مجلس همان تضادهای درون هیئت حاکمه می باشد. دو فراکسیون بزرگ بورژوازی متوسط وابسته یعنی فراکسیون "لیبرالها" و سران حزب جمهوری اسلامی استخوان بندی اساسی مجلس را تشکیل میدهند و دسته اول گروه چهارم (منفردین) هرگز قادر به اعمال یک سیاست "مستقل" از این دو فراکسیون نخواهند بود. این مجلس بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی که قانونی ماهیتاً "بورژوائیست تشکیل شده است و بنابراین بعلت متکی بودن بر قانون اساسی و پشتیبانی حاکمیت سیاسی از این مجلس، محلی برای اعمال سیاست ضد امپریالیستی از طرف عناصر خرده بورژوای مجلس باقی نمی گذارد. دو جناح اصلی درون مجلس در مورد تائید اکثریت نمایندگان توافق دارند مثلاً" احمد سلامتیان با وجود اکثریت نسبی نیرومند حزب جمهوری اسلامی که رقیب سرسخت جناح بنی صدر میباشد بدین مساله اذعان دارد که در این مجلس: "اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان مسلمان و متعهد و مومن به انقلاب اسلامی هستند" (روزنامه جمهوری اسلامی ۵۹/۳/۲۳) بنابراین با توجه به تائیدهای مکرر حزب جمهوری اسلامی از اکثریت قاطع مجلس این نتیجه بدست میاید که هر دو جناح بسیت به اکثریت مجلس که قوانین را تصویب می کنند نظر مساعد و تائید آمیز دارند و بنابراین در حالیکه هر دو جناح بر سر مسئله "اکثریت" توافق دارند جای تردید نیست که تضادهای جناحهای نیرومند و اصلی درون مجلس تضادهائی از نوع تضادهای "درون طبقه ای" که بر سر کسب هژمونی در قدرت سیاسی، شیوه های اعمال حاکمیت و اشکال بازسازی نهادهای ضربه خورده سرمایه داری وابسته است. بنابراین سرنوشت کسانی که بخواهند سیاستی ضد امپریالیستی را پیش بردارند از پیش مشخص است. ایشان شاهد بند و بستهای پنهانی و آشکار دو جناح نیرومند مجلس، شاهد تصویب قوانین بسود سرمایه داران ایران (که تماماً "وابسته اند) و علیه زحمتکشان، شاهد پشتیبانی مجلس از زمین داران و شاهد تصویب قوانین علیه ساختمانهای این اداره ضد خلقی با مشورت وی انجام میشده مخالفت نمی کنند، چرا این عده با اعتبارنامه امثال بازرگان که صادقانه از سرمایه داری و ارابطه با دنیای آزاد!! (آزاد در غارت و استثمار خلقهای جهان) دم میزنند مخالفت نمیشود، چرا با اعتبارنامه کسانی از قبیل حبیب الله عسگراولادی، محی الدین انواری که با گفتن "جاویدشاه" در تلویزیون آزادیهای دموکراتیک خواهند بود و تنها میتوانند اعتراض کنند، نامه بنویسند و یا احیانا "استعفا داده و گریبان خود را رها سازند

> **اگر سرنوشت عناصر مترقی و ضد امپریالیست مجلس اول پس از انقلاب مشروطه با گلوله باران مجلس توسط محمد علیشاه و با تائید "مشروعه "طلبان، یک تراژدی بود، سرنوشت عناصر خرده بورژوای مجلس اول پس از قیام بهمن ۵۷ چیزی در حد یک کمدی خواهد بود.**

> **دو فراکسیون بزرگ بورژوازی متوسط وابسته یعنی فراکسیون "لیبرال ها" و سران حزب جمهوری اسلامی استخوان بندی اساسی مجلس را تشکیل میدهند.**

قبل از افتتاح مجلس بنی صدر کوشید با جلب پشتیبانی آیت الله خمینی و با اطمینان به اینکه در مجلس اکثریت را نخواهد داشت، نخست وزیر مورد اعتمادش را به حزب جمهوری اسلامی تحمیل کند ولی حزب جمهوری اسلامی علیرغم تائید آیت الله خمینی از بنی صدر با این امر مخالفت کرد، این حزب نشان داد که وقتی تضاد بر سر تامین هژمونی در قدرت سیاسی و بالابردن وزنه خود در قدرت سیاسی باشد با توجیهاتی در مقابل "رهبری" قرار خواهد گرفت، چراکه حزب جمهوری اسلامی معتقد است: "علیرغم کوششهایی که از طرف جناحهای مخالف خط امام برای راه یابی به مجلس شورا صورت می گرفت، طرفداران خط امام اکثریت قاطع را در این مجلس بدست آورده اند" (روزنامه جمهوری اسلامی ۵۹/۲/۲۲) بنابراین این حزب نمیتواند اجازه دهد که این اکثریت ملعبه دست جناحهای مخالف قرار گیرد و حتی بنی صدر را تهدید می کند که اگر ثبات می خواهد باید "آیت الله خمینی "با وضع مشمئز کننده ای به مدیحه سرائی و تملق گوئی پرداخت میتوانسته در آن زمان یک نشریه آزاد و قانونی منتشر کند و در آن بنفع رژیم شاه چیزی ننویسد.

مردم بتدریج این فریبکاری را درک کرده و هر روز بیشتر درک خواهند کرد. مخالفت احمد سلامتیان با اعتبارنامه دکتر آیت و همزمان با آن پخش نوار آیت در روزنامه انقلاب اسلامی رقابت برای تامین هژمونی در حاکمیت سیاسی و اختلاف بر سر شیوه های مختلف اعمال حاکمیت به اضافه خرده حسابهای گذشته را به نمایش گذاشت. علیرغم این کشمکشهای درون هیئت حاکمه و علیرغم اختلافاتی که حتی بر سر اسم این مجلس (اسلامی یا ملی) وجود داشت، اعتبار نامه اکثریت قریب به اتفاق اعضای جناحهای مختلف مجلس تصویب شده است.

مجلس و مساله نخست وزیری

در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۵۵ با عفو ملوکانه از زندان آزاد شدند مخالفت نمیشود چرا این عده با اعتبارنامه فخرالدین حجازی که طی سالهای پس از کودتا، سردبیر روزنامه خراسان بوده و در تحکیم پایه های رژیم وابسته پس از کودتا نقشی داشته است مخالفت نمی کنند. مگر آقای فخرالدین حجازی در زمان "سرگرد ارشام "که ریاست ساواک خراسان بوده است، سردبیر این نشریه نبوده و مسئولیت تمام مقالات بعهده ایشان نبوده است. آیا آقای فخرالدین حجازی که در جریان سخنرانی خود در حضور هستند "(روزنامه امت ۵۹/۳/۲۱). بنظر ما فقط در صورتیکه موضع آیت الله خمینی بسود بنی صدر (آشکارا یا پنهان) باشد حزب جمهوری اسلامی موقتاً "تسلیم گشته و

بقیه در صفحه ۴

بدین مسئله توجه کند و می نویسد "همین مساله باعث ثبات جو سیاسی کشور خواهد گردید" (روزنامه جمهوری اسلامی ۵۹/۲/۲۳) و یا "اکثریت قاطع فراکسیون خط امام خواهند توانست پشتیبان خوب وقوی برای یک دولت اسلامی منبعث از امت باشد" (همانجا). بنابراین حزب جمهوری اسلامی برای بدست آوردن مقام نخست وزیری تاحد "بسیی ثباتی" کشور پیش خواهد رفت.

روزنامه انقلاب اسلامی این حزب را نه در خط امام (که بنظر جناح بنی صدر فراکسیون پذیرنیست) بلکه "عوامفریب" (انقلاب اسلامی ۵۹/۲/۲۴) نامیدو برای اینکه این حزب را در ذهن مردم علیه خط امام معرفی کند می نویسد "حزبی که تنها خود را در خط امام می داند چگونه به خود اجازه می دهد که بر خلاف خواست امام که در پاسخ موافق به درخواست ۳ ماده ای رئیس جمهور منعکس است اظهار نظر و عمل نماید" و در این راه تا به آنجا پیش می رود که حتی نظر امام را نیز بی مورد می خواند؟ "روزنامه انقلاب اسلامی ۵۹/۳/۸)، این حمله به حزب جمهوری اسلامی بی جواب نمی ماند، روزنامه جمهوری اسلامی (در شماره ۵۹/۳/۲۲) خود در مورد بنی صدر افشا گری کرده و بیزعم این حزب بنی صدر متهم به همکاری با کمونیستها (و بنظر ما همکاری با سه جهانیها ـ سای مرتجع) یعنی گناهی نابخشودنی در جمهوری اسلامی می کند. بهرحال در مورد نخست وزیر، حزب جمهوری اسلامی معتقد است که نخست وزیر باید حزبی باشد، بنی صدر معتقد است که باید با رئیس جمهور هماهنگ (یعنی از جناح هماهنگ) باشد" وعده ای هم در صدد جوش دادن این دو جناح و پیدا کردن راه حل میانه هستند عده ای معتقدند که "وابسته به رئیس جمهور یا حزب نباشد." (امت

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
سه شنبه ۳ تیر ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۶۴- صفحه ۴

سخنی با...

چهره "دوستانه" و "پدرانه" خودرا به "کمیته مرکزی" بیشتر نشان دهدحزب توده و توده‌ایها مارا "مهتکبی" میدانستندکه مانع گرایش سریع سازمان به سمت آنها هستیم. آنهااکنون با خیال راحت وباچاپ وتکثیر اعلامیه‌هاوبیانیه‌های "کمیته‌مرکزی" درروزنامه "مردم" مراسم استقبال از "کمیته‌مرکزی" راآذین‌بندی می‌کنند. حزب توده درایس گونه‌موارد بادقت ودل باز به‌میدان میآید واگراز لحاظ ارائه‌شیوه انقلابی مبارزه، اخلاق‌کمونیستی، صداقت پرولتری، فداکاری‌انقلابی چیزی در چهته خود ندارد درتمجیدوشاگردی‌ازهر جریان اپورتونیستی علنی طبع بسیار از خودنشان میدهد. در کنار این حزب، دارو دسته مرتجع سه جهانیها که در دشمنی باسوسیالیسم پیگیرند، درارگان خود "رنجبر" رسالت استقبال‌ازهرتفرقه وهر شکاف رابدون توجه به‌مضمون اساسی این‌شکاف بعهده‌گرفتندو به مخدوش نمودن تضاد ما با "کمیته‌مرکزی" پرداختند

ازاین دودسته که بگذریم، اقدام ماازسوی سازمانهای مارکسیست ـ لنینیست، انقلابی ودمکرات اقدامی صحیح‌واصولی ارزیابی شد ودر بین هواداران سازمان انعکاسات متفاوت داشت (بررسی نظرات سازمانهای انقلابی مارکسیست ـ لنینیست درحداین مقاله نیست).

دسته‌ای‌ازهواداران به شیوه‌های‌غیراصولی متوسل شدند وبعوض بحث پیرامون نظرات طرفین و شکافتن ماهیت اختلافات موجود به‌جنجال‌وهیاهو پرداختند باپرچسبهائی نظیر "آنارشیست" "ماجراجو" "انحلال‌طلب" "چپ‌رو" وغیره‌همان‌کلمات وجملات بی‌محتوای "کمیته‌مرکزی" رانکرارکردند.

این دسته‌ازهواداران در هر بحثی که‌پیرامون مسائل مبرم وحیاتی جنبش آغازمیشد سعی میکردندآنرابه‌بیراهه‌بکشانند وطرف مقابل‌رانیزبه‌همین سو سوق‌دهند مثلا" آنهادرمقابل این‌سوال که‌شمادرمورد ماهیت "بقائی‌دولت چه‌میگوئید ریااینکه خط مشی "کمیته مرکزی" باحزب توده چه تفاوتهائی‌دارد؟ بی‌جواب می‌ماندندوچون چیزی برای گفتن نداشتند به‌بحث‌های انحرافی دامن میزدندتا ما آنها باابن‌اقدام خودتنهاناتوانی‌شان رادرتحلیل‌مشخص از اوضاع‌کنونی‌نشان میدادند.

دسته‌دوم از رفقای هوادار که‌نه‌مواضع اپورتونیستی "کمیته‌مرکزی" راقبول‌دارند ونه‌اقدام انقلابی ما برایشان قابل هضم میباشد، یکباره درمقابل واقعیتی تلخ قرارگرفتند. واقعیت جدائی. این رفقا که‌بعلت برخورد غیر مسئولانه، غیررفیقانه‌و غیر دموکراتیک "مرکزیت" باآنها ازمیزان اختلافات بین ما واپورتونیستها بی‌خبربودند، نتوانستند موضع روشنی در مقابل دوجریان اتخاذنمایند. این رفقاازیکطرف به مخالفت‌ما باکمیته‌مرکزی امیدوار بودندواز طرف دیگر مارادرکنار "کمیته مرکزی" به‌هرقیمتی می‌خواستندو توصیه میکردندکه‌ماکمی کوتاه بیایم. رنج سالها پراکندگی در ذهن این رفقا تبیین‌نادرستی ازمسئله‌وحدت ایجادکرده‌بود.

مابه‌این‌رفقا توصیه میکنیم بدین مسئله‌که "کمیته‌مرکزی" آنهارابه‌کجامیبرد فکر کنند. توصیه‌میکنیم یکبار دیگر نظرات واعمال "کمیته‌مرکزی" درعرض چند ماه گذشته مروری کنندوببینند چه برسر جنبش آورده‌اند وسرانجام ما به‌رفقاتوصیه‌میکنیم که از "کمیته‌مرکزی" بخواهند بطور صریح وروشن مواضع خود را درقبال مسائلی‌که مادرمورد آنهامطرح میکنیم روشن‌نمایند وازآنهابخواهید بیش ازاین به‌شعارهای بی‌محتوا نپردازند. اطمینان‌داریم اینده‌سته ازرفقا درصورتیکه صادقانه‌بامسائل مورداختلاف برخوردکنند به‌حقانیت مواضع مابی‌خواهندبرد و خواهند فهمید که‌ما چیزی جزاین گفته لنین نگفته‌ایم که "پیش از آنکه متحدشویم وبرای آنکه متحدشویم ابتدابطورقطع و صریح لازم‌است خط فاصل‌بین خودقراردهیم".

دسته‌سوم‌ازرفقای هوادار که‌بعلت برخوردفعال با نظرات انحرافی "کمیته‌مرکزی" نظراتشان با ما همسوویامنطبق بودفعالانه در مبارزه‌ایدئولوژیک شرکت کردند. این‌رفقابدین‌مساله‌که ترویج تئوری‌انقلابی یک امر حیاتی است پی برده‌اند، اکنون‌وظیفه‌همه‌ماست که‌ما مطالعه‌دقیق متون کلاسیک باشرکت درمبارزه‌طبقاتی موجود در جامعه‌ما وباشرکت‌در مبارزه‌ایدئولوژیک موجود و ترویج وتبلیغ نظرات انقلابی، هم‌دانش تئوریک خود را ارتقاءدهیم‌وهم درجهت منفردکردن اپورتونیسم در جنبش نوین کمونیستی‌کوشیده وبه‌مروجین آبدیده تبدیل‌شویم. پرورش کادرهای مروج‌وسازمان دهی‌برای جنبش نوین کمونیستی ایران‌یک امر حیاتی‌است واین‌شدنی نیست مگربافعالیت خستگی‌ناپذیر نیروهای‌صادق‌این جنبش درمطالعه‌آثارکلاسیک باید بدین امرتوجه‌کنیم که هر مطالعه‌ای باید با هدفی انقلابی، ومشخص‌دنبال شود، مثلا" برای درک مفهوم مارکسیستی "دولت" و "حاکمیت‌سیاسی" که‌مسئله مبرم‌روزمیباشدمیتوان آثار لنین رادراینموردار قبیل "دولت وانقلاب" درسهای انقلاب، دراطراف‌شعارهاو چگونگی برخوردبادولت موقت، تزهای‌آوریل... مطالعه‌کرد مطالعه‌بدون هدف وبرنامه صرفا" براساس تز انحرافی "مطالعه‌برای‌مطالعه" نمیتواند ذهن مارافعال‌کرده و دانش سیاسی‌مان‌رابالابرد. همچنین رفقامیتوانندباکسانی‌که‌هنوز ازعمق‌اختلافات ماوکمیته‌مرکزی باخبرنیستند به‌بحث‌بپردازند وبه‌شهرستانهای دوردست که‌رفیق‌یارفقای آشنائی دارند سفرکنندویاآنهادر اطراف مسائل‌مبرم‌جنبش به‌بحث بپردازند،

ودرتوزیع "کار" فعالانه‌بکوشند، مقالاتی‌از "کار" راکه‌بنابه شرایطی که‌درآن‌قرار دارند مناسبترتشخیص میدهند تکثیر وتوزیع نموده ویاآنرابا خط درست برسرمعابر نصب کند وظیفه همگی ماست‌که‌بااخلاق انقلابی‌وشکیبای پرولتری باااپورتونیستهابرخوردکنیم وبه‌رفقای‌دسته‌دوم کمک کنیم تابه‌عمق انحراف "کمیته مرکزی" پی ببرند. وبادقت تمام بکوشیم تابدنبال بروز خوردهای انحرافی‌طرفداران "کمیته‌مرکزی" کشیده نشویم، اگرآنهاسعی‌درعصبی کردن مادارندوبرخوردغیررفیقانه میکنندباهوشیاری تمام بکوشیم تااقدام‌مشابه نکنیم‌ودرصورتی که کنترل خودراازدست‌دادیم نسبت به‌این‌نقطه‌ضعف‌خود برخوردی انتقادی‌وانقلابی کنیم. سعی کنیم در این بحران‌ایدئولوژیک پتانسیل به‌بیراهه وبه‌بی‌تفاوتی سوق داده‌نشود. همچنین دقت داشته‌باشیم که‌تعداد قلیلی افرادفرصت طلب هستندکه‌با پخش نشریه‌کار وادعای هواداری ازما مقاصد دیگری‌را تعقیب میکنند دراینگونه‌مواقع باید ادعاءعما. افراد را با هم مقایسه کنیم نابی به‌ماهیت افرادببریم.

رفقا! درهراقدام خود باید‌نظرداشته‌باشیم که‌این اقدام باید در خدمت گسترش وتعمیق مبارزه‌طبقاتی‌پرولتاریا وتعمیق مبارزه‌طبقاتی توده‌های میلیونی خلق علیه امپریالیزم وپایگاه‌داخلی‌اش باشد. موضع ما نسبت به‌این یا آن فردوگروه‌نه‌براساس نوع لباس، ملیت، زبان، مذهب و... بلکه‌براساس جهت گیری این‌فردیاگروه نسبت به‌مبارزه طبقاتی به‌طورعینی در حال گسترش جامعه‌ماست وازاین جهت درمبارزه‌ایدئولوژیک علیه‌اپورتونیسم‌راست که‌وجه مشخصه‌آن درشرایط کنونی تائیداین‌یاآن جناح هیئت حاکمه‌ویاکل‌آن است؛ نباید به‌دام‌کسانی‌که‌میخواهندسمت مبارزه‌رامنحرف نموده ومثلا" این‌مبارزه‌راعلیه "مذهب" "ویا" روحانیون" کانالیزه‌کنند گرفتارشویم.

بایدنشان‌دهیم که‌دشمنی ودوستی‌ما باهرایدئولوژی ویا نهادروبنائی درشرایط کنونی بدین امربستگی‌دارد که‌این ایدئولوژی ویانهادروبنائی عملا" در خدمت چه‌طبقه‌ای قراردارد ما در مبارزه‌طبقاتی موجود باکسانیکه باهرایدئولوژی وتحت هر عنوانی علیه‌خلق وبه سود بورژوازی وابسته‌به‌امپریالیزم اقدام میکنند دشمنی‌میورزیم وآنهارااافشاء میکنیم. وبالاخره به‌رفقاتوصیه‌می‌کنیم که‌یکبار دیگر "خطاب به‌هواداران" را که‌درشماره‌۱۶کار درج‌شده است بادقت مطالعه‌کرده و با پیشنهادات و انتقادات خود مارایاری کنید.

پیروز باشید

مجلس شورا و...

بقیه از صفحه ۳

سپس به‌شیوه خود با آنان مخالفت خواهدکرد وبحران را دامن خواهدزد، در غیر اینصورت حداکثر گذشت حزب جمهوری اسلامی نسبت دادن بیکی‌ازافراد ائتلاف بزرگ‌خواهدبود که‌دراینحالت نیزبحران دربالائیها گسترش خواهدگرفت.

مجلس و مسالهٔ گروگان ها

ازهم‌اکنون تدارک وسیعی برای‌پیداکردن یک راهٔ حل میانه‌درمورد مسئله‌گروگانها دنبال‌میشود، مدتهاست‌جلوی سفارت ازمردم خبری‌نیست (وبایدخبری‌باشد)، نیروهای مختلفی‌دراین‌مساله همسو شده‌اند. مثلا" خلخالی‌باتمام مخالفت هایش‌باآزرگان در این‌مسئله هم عقیده‌هستند بنابراین‌فراکسیون‌قدرتمندی‌از جناح بنی‌صدر ـ بازرگان، خلخالی، مدنی و... خواستار پایان‌دادن به‌این‌بحران‌هستند اینها معتقدندحداقل‌چندنفر ازجاسوسان امریکا تحت عنوان محاکمه‌امریکادریک دادگاه‌محاکمه‌شده‌وبقیه آزادوسفارت تعطیل‌شود. تعطیل‌سفارت این‌امکان‌رابه هیئت حاکمه‌میدهدکه عوامفریبی خودرادر مورد مبارزه ضدامپریالیستی‌ادامه داده‌ودرضمن‌بربحران بین ایران‌وامریکابرسرمسئله گروگانها خاتمه‌دهد. اگرچه بعلت وضعیت متغیر و بحرانی جامعه‌ماپیش‌بینی جزئیات حوادث تقریبا" غیرممکن است ولی به‌احتمال‌زیاد راه‌میانه در این‌امرشانس بیشتری خواهدداشت طبیعی است که‌چه‌راه‌حل‌میانه‌وچه راه‌حلی دیگرتغییری‌درتحلیل ماهیت‌سیاستهای‌مجلس‌نخواهد داشت.

مجلس وچشم انداز آینده جامعه

مجلس‌شورای‌ملی‌ازآنجاکه بربستریک‌بحران‌عمیق ساختی درجامعه‌ماقرارگرفته‌است، ازآنجاکه‌بعلت ماهیت اساسا بورژوائی‌آن قادربه‌یک‌سیاست رادیکال‌نیست وازآنجاکه‌باید برطبق‌قانون‌اساسی جمهوری اسلامی‌حرکت‌سیاسی‌داشته باشدنخواهدتوانست بربحران علیه‌نمایداین‌مجلس‌باید در جهت‌بازسازی نهادهای‌ضربه خورده‌بورژوازی‌وابسته اقدام کندوبنابراین‌بطورروز افزونی درمقابل‌مردم‌قرارخواهد گرفت وچون قادربه حل بحران سیاسی نیست به بحران اقتصادی‌جامعه‌دامن زده‌ودرنتیجه ازیک طرف بران‌دربالائی‌هارانشدید می‌کندوازطرف‌دیگر بتدریج باموکلین خود فاصله‌بیشتری خواهدگرفت مقایسه‌نتایج انتخابات مجلس خبرگان، دور اول‌مجلس‌شورای ملی ودوردوم مجلس‌شورای ملی نشان‌دهنده فاصله گرفتن‌و دوری مردم ازحاکمیت موجود است. توده‌هائیکه از حاکمیت بریده نمیشوند به‌سه دسته تقسیم میشوند:

دسته‌اول‌برای مدتی بی تفاوت‌خواهندشد دسته، دوم تمایل‌به‌دفاع‌ازلیبرالهارا پیدا خواهندکردودسته سوم فعالانه بسوی نیروهای‌انقلابی وکمونیست پروی میاورند. این‌پروسه هم‌اکنون نیز درجامعه‌ما درحال شکل‌گیری

بقیه در صفحه ۵

www.iran-archive.com

سه شنبه ۳ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۴ ـ صفحه ۵

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار

مصاحبه سیاست جناح اپورتونیستی از این نظر نیز قابل تشخیص بوده است که آنها در اساسی ترین مسائل مربوط به تحلیل حاکمیت ، تعیین ماهیت آن و بالنتیجه اتخاذ خط مشی و تاکتیک درباره حکومتی برخورد با دولت ، درک از مبارزه ضد امپریالیستی ، بطور روز افزونی با مواضع حزب توده همسوئی و همگامی نشان داده اند .

از طرف دیگر آنان بدون توجه به نظرات توده های سازمان در طول این مدت خود را محاز دانستند که به دلخواه سیاستهای تعیین شده سازمانی را تغییر داده و آنرا با ایده های اپورتونیستی خود منطبق سازند . چنین گرایشی و قتیکه با تزلزلات ایدئولوژیک سیاسی آنان که خصلت دوگانه خرده بورژوازی انطباق یافته بود ، همراه شد لطمات فراوانی را به موقعیت سیاسی سازمان و مانع جنبش کمونیستی ایران وارد مینمود

راست رویهای "کمیته مرکزی" امروز تا بدان حد آشکار شده است که حتی آقای بنی صدر هم از آن بعنوان بزرگترین پیروزی خویش سخن میگوید .

بنی صدر در مصاحبه اخیر خود با منصور تاراجی روزنامه نگار اطلاعات ، وقتی بر سر مسئله جنبش کمونیستی ایران مورد سئوال قرار می گیرد چنین جواب میدهد :

" از ناحیه چپ ، هیچ تهدیدی نیست و نمی شود . برای آنکه اینها اصولاً "حرفی ندارند بزنند پانزده ماه ایران را بهم ریختند و حالا آمده اند میگویند آن کارها غلط بوده ، باید بگذاریم کنار . خوب مرد عاقل پس از این علم سرخورده به جه درد تو میخورد . تو ۱۵ ماه کشوری را به تلاطم انداختی و فرصتهای گرانقدری را از دست این ملت بیرون بردی حالا بعد از ۱۵ ماه آمدی و میگوئی بنده اشتباه کرده بودم . حداقل سر این حرف باید بست . من بزرگترین پیروزی خود را همین میدانم که نوانستم مطرق را به اینگروهها نشان دهم . اگر ما روی خط بحث آزاد حرکت کنیم قطعاً " پیروز خواهیم شد . جامعه باید مرا در مبارزه با چماق دارها و چماق بارها یاری کند " (اطلاعات شنبه ۲۴ خرداد ماه) آری اظهارات امت الطمات فراوانی را به موقعیت سیاسی سازمان و مانع جنبش کمونیستی ایران وارد مینمود

آنها همگامیکه می شنوند ، مواضع سازشکارانه شان را در برخورد با بورژوازی این چنین بدون ملاحظه ! افشاء می کنیم بیشترین خشم خود را نسبت به ما بروز میدهند : وای از این آنارشیستهای لعنتی !! بار هم بجای برخورد با "مشی چریکی" گذشته به مسائل سیاسی ـ عملی و به خط مشی کنونی چسبیده اند !

حق با بنی صدر است وقتی که میگوید : "تو پانزده ماه کشوری را به تلاطم انداختی و فرصتهای گرانقدری را از دست این ملت بیرون بردی حالا بعد از پانزده ماه آمدی و میگوئی

بنی صدر و سیاستهای حاکم بر ...

بقیه از صفحه ۱

بنده اشتباه کرده بودم " . بنی صدر بعنوان نماینده بورژوازی از همان پانزده ماه قبل خواهان استقرار کامل حاکمیت دولت ، تلاشی شوراهای واقعی ، حفظ نظم موجود و امنیت دلخواه بورژوازی ، فریب کارگران و دهقانان و غیره بوده است . این "نوبودی" که در صف مبارزه کارگران و زحمتکشان و در کنار خلقهای تحت ستم کرد و ترکمن از منافع آنان و بطور کلی دستاوردهای قیام پیروزمند خلق بدفاع برخاستی و در نتیجه کشوری را به " تلاطم انداختی " و " فرصتهای گرانقدری را از دست " بورژوازی و زمینداران بیرون بردی . اکنون که پس از پانزده ماه "آمدی و میگوئی بنده اشتباه کرده بودم " و مبارزه ضد امپریالیستی را (آنطور که آقای بنی صدر بنا به مصالح طبقاتی خود آنرا درک کرده و پیش میبرد !) حقیقتاً " درک کرده ای "حداقل روی این حرف بایست " !

بنی صدر که در بحران هیات حاکمه سازش اپورتونیستهای "کمیته مرکزی" را بعنوان دلیلی بر حقانیت روش خویش برای اعمال حاکمیت ، در مقابل رهبران حزب جمهوری اسلامی اقامه میکند تنها یک حقیقت تاریخی را از نظر دور میدارد او قادر به تفکیک و نمایز ماهوی احزاب و سازمانهای کمونیستی از احزاب و جریانات "بورژوا ـ لیبرال" نیست .

بنی صدر بنا به ماهیت بورژوائی نظریات خود نمی تواند این حقیقت را درک کند که اگر رهبران احزاب بورژوائی قادرند دست کم برای دوره هائی با توسل به انواع تاکتیکهای دیپلماتیک حقیقت را از توده ها پوشیده بدارند اما خصلت طبقاتی احزاب و جریانهای پرولتری چنین نیست . بر خلاف احزاب بورژوائی و احزاب اپورتونیست کارگری ، در احزاب کمونیستی بر بنیاد حرکت انقلابی توده های حزبی ، رهبران قابل کنترل ، بازرسی و تعویض هستند . اشتباه بزرگ بنی صدر آنست که او فراموش میکند که در مذاکره با نمایندگان "کمیته مرکزی" هنگامیکه به "پیروزی بزرگ" خویش دست می یافت در صحنه مبارزه درون سازمانی ، دیگر ایدئولوژی و سیاست جناح اپورتونیستی سازمان مورد قبول و پشتیبانی توده ها و کادرهای انقلابی تشکیلات نبود ، بلکه آنان برودی بخاطر زیر پا نهادن سیاست انقلابی و مستقل پرولتری و گذشت نسبت به منافع کارگران طرد خواهند شد . گفتگو از نقطه نظر تاکتیک کمونیستی همواره قابل بررسی است اما ملاک صحت و یا نادرستی آن همواره به مضمون و محتوای سیاسی این نوع تاکتیکها بستگی دارد . گفتگو و مذاکره از موضع تسلیم طلبانه هیچ وجهه اشتراکی با مارکسیسم ـ لنینیسم انقلابی نداشته و اپورتونیسم نامیده میشود .

اشتباه اساسی "کمیته مرکزی" در آن بود که گمان میکرد با جلوگیری از علنی شدن مبارزه ایدئولوژیک و پوشیده داشتن محالفتهای درون سازمانی می تواند جنبش و اعتبار سیاسی سازمان را وجه المصالحه سازش با بورژوازی قرار دهد . حرکت انقلابی ما حسابهای آنان را درهم ریخت و یکی از مهمترین ارزشها و دستاوردهای علنی کردن مبارزه ایدئولوژیک در همین امر نهفته بود .

اکنون کمیته مرکزی با داد و فریادهای بی محتوا کوشش میکند ما را بعنوان اشعاب گر و انحلال طلب معرفی کند درحالیکه از نظر ما انشعاب گری و انحلال طلبی بیش و پیش از هرچیز عبارت از سیاستی است که بر مبنای آن مبتوان تحت پوشش مبارزه ضد امپریالیستی با لیبرالها سر میز گرد وحدت نشست و مینوان بمباران کردستان توسط ارتش و هجوم وحشیانه سپاه پاسداران علیه خلق کرد را "جنگ برادرکشی" ، یعنی جنگ برادر علیه برادر ! نامید .

ما پیگیرترین مبارزه را برای سازماندهی کار علنی انجام میدهیم ، اما باید در نظر داشت که روی برگرداندن از برنامه ، تاکتیک و سنن انقلابی بمنظور کسب اجازه فعالیت علنی و قانونی چیزی جز انحلال طلبی نیست . . .

انحلال طلبی عبارت است از "تلاش قسمتی از روشنفکران حزبی برای انحلال " (یعنی پراکندن ، انحلال ، برانداختن و موقوف ساختن) "سازمان موجود حزب و تبدیل آن به قیمی شده بیک تجمع بی شکل و محدود تا ختن آن در چهار دیوار فعالیت علنی " (یعنی در چهار دیوار قانونیت و موجودیت "آشکار") "ولو اینکه این علنی بودن بقیمت استکاف آشکار از برنامه ، تاکتیک و سنتهای " (یعنی تجربیات پیشین) "حزب" تمام شود .

(لنین ـ مسائل مورد مشاجره)

و این ویژگی تاکتیک کمیته مرکزی در چشم انداز آن در مذاکره با سران بورژوازی بوده است . موفقیت این تاکتیک بدون وارد نمودن منافع سرمایه داران در جنبش کارگری ممکن نیست

اگر معنای صریح و بی پرده این سیاست و تاکتیک انحلال طلبی را بخواهید چنین خواهد بود : "حکومت جمهوری اسلامی ، حکومتی ملی ـ انقلابی است ! این حکومت رهبری جنبش ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک توده های مردم را در دست دارد و آن را علیه امپریالیزم آمریکا و" دوستان و جاسوسان " اش رهبری میکند . آقای بنی صدر ما خواهان پشتیبانی ، تقویت و تثبیت چنین حکومتی هستیم . تنها باید در چارچوب قانون اساسی اجازه فعالیت آزاد و کار علنی داده شود " !

اینست معنای حقیقی انشعاب گری و انحلال طلبی .

مجلس شورا و ...

بقیه از صفحه ۴

است و سها با شرکت فعال اپورتونیسم راست خطر عمده انقلابیون در مبارزه توده ها ، جنبش کمونیستی در شرایط افشاگری همه جانبه چاره است باید سیاستهای سیاستهای بورژوائی هیئت سازشکارانه این اپورتونیستها را افشاء نمود .

مجلس و اپورتونیست های "کمیته مرکزی"

"کمیته مرکزی" در کار شماره ۶۰ در مورد مجلس مقاله ای نوشته و ضمن اینکه مضمون " راست " آن از سطر ما روشن است ولی سطور صریح و روس هیچ اظهار نظری نکرده وفقط با "اگر" و "مگر" ها مجلس ماهیتی " خرده بورژوائی " دارد " یا بورژوائی " ؟

۲ـ آیا این مجلس قادر خواهد بود بر بحران فعلی در جهت منافع توده های "خرده بورژوا" بطور نسبی علیه کند در صورتیکه جواب شما منفی است ، علت این امر چیست ؟

۳ـ در صورتیکه پاسخ شما منفی خواهد بود و اگر پاسخ شما مثبت است ، محتوم این مجلس دامن زدن به بحران و ناتوانی در حل خواهید نمود و ما را "جدا از توده" خواهید گفت ولی چه باید از آن بعنوان یکی از حوب سود حداقل در مسائل نهادهای حاکمیت سیاسی مربوط به مجلس و رابطه توده ها موجود پشتیبانی کرد ؟

ما که شمار ایع "تجلی جوهر تکامل سازمان بلکه در سیاله رو سیاستهای حزب توده میدانیم معتقدیم شما تا آنجا که میتوانید از پاسخ صریح و روشن طره خواهید رفت ولی چون تصمیم گرفته اید از حاکمیت سیاسی پشتیبانی کنید ، الزاماً آنرا "خرده بورژوائی" ارزیابی خواهید کرد و کماکان شما حمله به بحران و ناتوانی در حل خواهید نمود و ما را "جدا از توده" خواهید گفت ولی چه باید از آن بعنوان یکی از حوب سود حداقل در مسائل نهادهای حاکمیت سیاسی مربوط به مجلس و رابطه توده ها موجود پشتیبانی کرد ؟

ما که شمار ایع "تجلی جوهر تکامل سازمان بلکه در سیاله رو سیاستهای حزب توده میدانیم معتقدیم شما تا آنجا که میتوانید از پاسخ صریح و روشن طره خواهید رفت ولی چون تصمیم گرفته اید از حاکمیت سیاسی پشتیبانی کنید ، الزاماً آنرا "خرده بورژوائی" ارزیابی خواهید کرد و کماکان شما حمله به مسئله مجلس طی پروسه چند ماهه گذشته به خود توده ها مراجعه میکردند . واقعاً " اگر شما حداقل ربوده نیستید سری به کوچه و خیابان بزنید آنوقت توده ها شما بسیار خبرها خواهید آموخت .

★ ★ ★
★ ★
★

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک خلقهای ایران

www.iran-archive.com

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سه‌شنبه ۳ تیر ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۶۴- صفحه ۶

حزب توده و...

بقیه از صفحه ۱

حزب توده، خواه در تئوری با تبلیغ راه رشد غیرسرمایه‌داری، گذار مسالمت‌آمیز و انکار هژمونی پرولتاریائی وچه در عرصه پراتیک اجتماعی، از طریق بازداشتن کارگران و توده‌های زحمتکش از مبارزه بر علیه بورژوازی، تبلیغ صلح طبقاتی، سازش با بورژوازی و پادوئی آن، همانند پیش کسوتانش برنشتین و کائوتسکی به فریب توده‌ها متوسل میشود و میکوشد این توهم را در توده‌ها دامن زند که رژیم حاکم قادر است از طریق یک سری رفرمهای بورژوائی توده‌ها را به سوی یک جامعه آرمانی پیش برد.

حزب توده میخواهد با اجرای کنترل شده قانون اساسی بسوی سوسیالیسم برود هم مبارزه طبقاتی عینا "موجود در جامعه ما را نفی کرده و هم گذار مسالمت‌آمیز و راه رشد غیرسرمایه‌داری را تبلیغ و ترویج می‌کند و بیهوده نیست که هر خیزش توده‌ای، هر جنبش خودبخودی و هر جنبش انقلابی علیه این حاکمیت را کارآنارشیست‌ها میداند...

برخورد با رفرمیسم حزب توده در زمینه‌های مختلف بویژه از آنجهت در خور اهمیت است که حزب توده بعنوان سردمدار رفرمیسم از مجموعه نظرات همگن و سیستم یافته ای برخوردار است که منبع تغذیه و رشد بسیاری از جریانات انحرافی بویژه جریان انحرافی راست درون سازمان ما برهبری کمیته مرکزی است. سیاستها و موضع گیری های اخیر "کمیته مرکزی" به ویژه در شماره های ۵۹ و ۶۰ بوضوح نشان میدهد که اکنون همان نظرات انحرافی حزب توده در قالب و پوشش سوسیالیستی همراه با یک سلسله عبارت پردازیها و مخالفت خوانیهای ظاهری با حزب توده راهنمای پراتیک "کمیته مرکزی" شده است. ضمیمه کار ۳۵ که نمونه بارز لاپوشانی کردن جوهر نظرات انحرافی و رفرمیستی بود، سرانجام در اثر رشد مبارزه طبقاتی در جامعه و در جهت تکامل مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمان، در سر مقاله کار ۵۹ جوهر واقعی خود را لخت و عریان بنمایش گذاشت. بنابراین مبارزه ایدئولوژیک با حزب توده در همان حال مبارزه با اپورتونیسم راست بطور کلی و اپورتونیستهای "توپای" درون سازمان ماست.

ما در این مقاله سعی میکنیم به یکی از جنبه های سیاست حزب توده در برخورد با بخش دولتی اقتصاد سرمایه داری و بعبارتی سرمایه داری دولتی بپردازیم.

حزب توده مدعی است که بخش دولتی اقتصاد جمهوری اسلامی در خدمت زحمتکشان قرار دارد، و دارای سمت گیری های سوسیالیستی است. حزب توده نه تنها امروز بلکه در دوران رژیم شاه نیز از یک چنین تزی دفاع میکرد. اما به ویژه امروز می‌کوشد که تزهای خود را بر مبنائی به اصطلاح علمی استوار سازد، و عموا مفریبی خود را در پوشش اندیشه های علمی پنهان دارد. از اینرو لازم است که با توجه به نوشته های متعدد آنها، تزهایشان را در این مورد بررسی کنیم و ماهیت بخش دولتی اقتصاد را در جمهوری اسلامی نشان دهیم. اما پیش از پرداختن به نوشته های آنها لازم است جمله‌ای کوتاه از انگلس را که بیان گر نظر بنیانگزاران کبیر سوسیالیسم علمی درباره بخش دولتی اقتصاد است، در اینجا ذکر کنیم. انگلس در اثر خود آنتی دورینگ مینویسد:

"البته نه تبدیل نیروهای مولده به شرکتهای سهامی و نه به مالکیت دولتی هیچ کدام خصلت سرمایه‌ای نیروهای مولد را زایل نمی کند. در مورد شرکتهای سهامی این مسئله بوضوح دیده میشود و دولت جدید با زهم فقط تشکیلاتی است که جامعه سرمایه‌داری برای حفظ شرایط عمومی خارجی شیوه تولید سرمایه‌داری خواه در برابر حملات کارگران و خواه در برابر تک تک سرمایه‌داران برای خود بوجود آورده است. دولت مدرن به هرشکلی که باشد- عمدتا "یک دستگاه سرمایه‌داری است، دولت سرمایه‌داران است، سرمایه‌دار کل ایده‌آل است. هرچه بیشتر نیروهای مولده را تحت مالکیت خود درآورد، بیشتر بصورت سرمایه دار کل واقعی درمیاید و اتباع دولت را بیشتر استثمار میکند. کارگران باز هم کارگران مزدور- پرولتاریا- باقی میمانند. مناسبات سرمایه از بین نمیرود بلکه حتی به اوج خود میرسد."

تغییراتی که پس از رفرم شاهانه در جامعه ما صورت گرفت منجر به مسلط شدن روابط سرمایه داری در جامعه شد. این مناسبات چه در دوران رژیم شاه و چه امروز مناسبات مسلط را در تولید تشکیل میدهند. بخش دولتی اقتصاد نیز در گذشته یکی از منابع عمده درآمد و تغذیه بورژوازی وابسته و انحصارات جهانی بوده است. پس از قیام علیرغم مبارزه توده‌ها و ضرباتی که به مناسبات اجتماعی موجود وارد آمد، اما از آنجائیکه با سازش سران خرده بورژوازی با بورژوازی قدرت دولتی عملا" به دست بورژوازی افتاد، در ماهیت مناسبات موجود نیز تغییری صورت نگرفت و بخش دولتی اقتصاد نیز همچنان بصورت ملک مشترک بورژوازی باقی ماند. بنابراین مادامیکه مناسبات مسلط را در جامعه ما، مناسبات سرمایه داری تشکیل میدهد و مادامیکه قدرت دولتی عملا در دست بورژوازی است، این بخش نه در خدمت زحمتکشان، نه دارای سمت گیری‌های سوسیالیستی بلکه در خدمت بورژوازی و نرمیم و بازسازی مناسبات موجود است. حال ببینیم حزب توده چه میگوید:

قبل از هرچیز باید در نظر داشت که در شرایط تسلط مناسبات سرمایه‌داری وابسته، بخش دولتی اقتصاد چیزی جز سرمایه‌داری دولتی وابسته نیست و این بخش دقیقا "در خدمت بورژوازی است.

"هیچ نظام اجتماعی- اقتصادی بخش دولتی از جهت سمت طبقاتی خود یک دیده سیطرف نیست و نمیتواند باشد. در هر جامعه‌ای بخش دولتی منعکس کننده منافع آن نیروهای اجتماعی است که مالکیت دولتی را بدست دارند. به بیان دیگر حصلت طبقاتی حاکمیت دولتی و سمت گیری سیاسی آن، هدف و وظایف بخش دولتی و طریق نیل به آنها ما لاماهیت تجدید تولید را معین میسازد.

در دوران رژیم مخلوع، بخش دولتی که تحت قیمومت بورژوازی بوروکراتیک قرار داشت در جهت رشد بخش خصوصی سرمایه داری در پهنا و ژرفا عمل میکرد، یعنی به تحول سرمایه‌داری وابسته در کشور یاری میداد" (دنیا شماره چهارم آذرماه ۵۸ صفحه ۲۵ تاکیدها از ماست)

این گفته‌ها، بیانگر دریافت سراپا تحریف شده حزب توده از مساله دولت و تئوری لنینی دولت است. اینکه بگوئیم "در هر جامعه‌ای، بخش دولتی منعکس کننده منافع آن نیروهای اجتماعی است که مالکیت دولتی را بدست دارند" مانند اینست که بگوئیم لیبوفروش، لیبودارد. این پائین ترین سطح تجرید است. در حالی که مساله اینست که نشان دهیم در شرایط تاریخا" معین تولید، و در شرایط معین مبارزه طبقاتی، بطور خاص، و در شرایط تاریخی جامعه‌های طبقاتی، بطور عام دولت بیانگر منافع کدام نیروهای اجتماعی است. دولت، در یک کلام یعنی دسته‌های خاص افراد مسلح (با ضمائم زندانها، سیستم حقوقی، .....)، ضرورت دولت از اینجا ناشی میشود که تضادهای طبقاتی آشتی‌ناپذیر وجود دارد. و "اراده دولت را نیازهای متغیر جامعه مدنی، نیازهای طبقه مسلط، و پاری سطح تکامل نیروهای مولد و مناسبات مبادله تعیین می‌کند" (انگلس، لودویک فویرباخ..)

بدین سان، عبارت پردازی های کلی مانند اینکه، دولت بازتاب منافع آن نیروهای اجتماعی است که آنرا بدست میگیرند در جد پوچ است. دولت، پیش از همه بازتاب منافع طبقه مسلط است و اراده آنرا منافع طبقه مسلط تعیین می‌کند، حزب توده از آنرو به کلی پردازی روی میآورد تا از آن به این نتیجه گیری برسد "وقتی حاکمیت سیاسی در دست نیروهای انقلابی- نمایندگان واقعی خود زحمتکشان است بخش دولتی از لحاظ مضمون و محتوا کاملا" تغییر اجتماعی است که مالکیت دولتی را بدست دارند" مانند اینست که بگوئیم لیبوفروش، لیبودارد. این پائین ترین سطح تجرید است. در حالی که مساله اینست که نشان دهیم در شرایط تاریخا" معین تولید، و در شرایط معین مبارزه طبقاتی، بطور خاص، و در شرایط تاریخی جامعه‌های طبقاتی، بطور عام دولت بیانگر منافع کدام نیروهای اجتماعی است. دولت، در یک کلام یعنی دسته‌های خاص افراد مسلح (با ضمائم زندانها، سیستم حقوقی، .....)، ضرورت دولت از اینجا ناشی میشود که تضادهای طبقاتی آشتی‌ناپذیر وجود دارد. و "اراده دولت را نیازهای متغیر جامعه مدنی، نیازهای طبقه مسلط، و پاری سطح تکامل نیروهای مولد و مناسبات مبادله تعیین می‌کند" (انگلس، لودویک فویرباخ..)

حزب توده، خواه در تئوری با تبلیغ راه رشد غیرسرمایه داری، گذار مسالمت‌آمیز و انکار هژمونی پرولتاریائی وچه در عرصه پراتیک اجتماعی، از طریق بازداشتن کارگران و توده‌های زحمتکش از مبارزه بر علیه بورژوازی، تبلیغ صلح طبقاتی، سازش با بورژوازی و پادوئی آن، همانند پیش کسوتانش برنشتین و کائوتسکی به فریب توده‌ها متوسل میشود و میکوشد این توهم را در توده‌ها دامن زند که رژیم حاکم قادر است از طریق یک سری رفرمهای بورژوائی توده‌ها را به سوی یک جامعه آرمانی پیش برد.

بدین سان، عبارت پردازی های کلی مانند اینکه، دولت بازتاب منافع آن نیروهای اجتماعی است که مالکیت دولتی را بدست دارند" مانند اینست که بگوئیم لیبوفروش، لیبودارد. این پائین ترین سطح تجرید است. در حالی که مساله اینست که نشان دهیم در شرایط تاریخا" معین تولید، و در شرایط معین مبارزه طبقاتی، بطور خاص، و در شرایط تاریخی جامعه‌های طبقاتی، بطور عام دولت بیانگر منافع کدام نیروهای اجتماعی است. دولت، در یک کلام یعنی دسته‌های خاص افراد مسلح (با ضمائم زندانها، سیستم حقوقی، .....)، ضرورت دولت از اینجا ناشی میشود که تضادهای طبقاتی آشتی‌ناپذیر وجود دارد. و "اراده دولت را نیازهای متغیر جامعه مدنی، نیازهای طبقه مسلط، و پاری سطح تکامل نیروهای مولد و مناسبات مبادله تعیین می‌کند" (انگلس، لودویک فویرباخ..)

رهبران حزب توده برای توجیه "منافع عملی" خود این نتیجه را میگیرند که چون "خرده بورژوازی را دیکتاتوری و انقلابی قدرت سیاسی را در ایران در دست دارد پس برای این مصوبات مجلس خبرگان در صورتیکه در مورد بخش دولتی اقتصاد بدرستی پیاده شود بسود زحمتکشان است و برای پیشبرد

بقیه در صفحه ۷

می‌باید و به حربه برنده دستیابی به استقلال اقتصادی، آزادی اجتماعی توده‌های زحمتکش و پیشرفت مبدل میگردد" (همانجا صفحه ۲۹) (تاکید از ماست)

این جمله در یک سطح از تجرید درست است. اما، بطور مشخص، هنگامی حقیقی خواهد بود که دستگاه دولتی کهنه (دولت طبقات استثمارگر و ستمکش) در هم شکسته شود. "پیش- شرط هر انقلاب حقیقی خلقی، درهم شکستن ماشین بوروکراتیک- نظامی است".

www.iran-archive.com

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

سه‌شنبه ۳ تیر ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۶۴- صفحه ۷

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار

حزب توده و ...

استراتژی اقتصادی جمهوری اسلامی رهنمود می‌دهند و می‌نویسند:

"برای پیشبرد استراتژی اقتصادی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی منصوب رسیده، بخش دولتی می‌باید در عرصه‌های بازرگانی خارجی و داخلی و بطور کلی خدمات نیز نقش مؤثر و تعیین کننده بعهده گیرد."

(همانجا ص ۲۷)

و سپس در ترتیب چون "نیروهای اجتماعی" که بنا به ادعای حزب توده قدرت دولتی را در دست دارند "نمایندگان واقعی خود زحمتکشان" هستند (یعنی بازرگانها، بهشتی ها، رفسنجانی ها، معین فرها، چمران ها، بنی‌صدرها و ..... نمایندگان واقعی خود زحمتکشان هستند) پس دفاع از بخش دولتی اقتصاد جمهوری اسلامی یک دفاع انقلابی!! و مترقیانه!! بوده و بنابراین رای مثبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی نه بر سر "مصلحت" و "منافع عملی" رهبران این حزب، بلکه براساس تحلیل حزب توده از ماهیت سیاسی بوده است. ما در همین مقاله و نیز در بخش "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران" از تحلیل ماهیت حاکمیت سیاسی که مقتشر خواهد شد نشان خواهیم داد. سرشت قوانین مربوط به بخش دولتی اقتصاد سرمایه‌داری قانون اساسی بورژوائی است و علیرغم تناقضات ظاهری این قانون با قوانین مربوط به "اقتصاد" امکان تضمین رشد بورژوازی وابسته را در شرایط بحرانی کنونی فراهم می کند. ولی قبل از اینکه بدین مساله بپردازیم باید ببینیم آیا حزب توده به همین حرفهائی که می زند در گذشته وفادار بوده است یا نه؟ بنابراین آنچه در نوشته‌های حزب توده آمده و ما در این مقاله بذکر آنها پرداختیم این نتیجه بدست میآید که بخش دولتی اقتصاد در

بقیه از صفحه ۶

زمان رژیم شاه مخلوع درخدمت بورژوازی وابسته بوده است و بنابراین کسانی که در آن زمان از بخش دولتی اقتصاد دفاع میکردند عملا "به کمک سرمایه داری وابسته می شتافتند و سرمایه داری وابسته را وسعت (پهنا) و عمق (ژرفا) می‌دادند و در نتیجه تشویق کنندگان و تائیدکنندگان بخش دولتی اقتصاد در زمان رژیم شاه خائن عملا "به شدت گیری استثمار از جانب سرمایه داری وابسته کمک میکردند چون حزب توده هم در شرایط فعلی در فریب نامه های خود مینویسد:

"بخش دولتی سرمایه داری در دوران رژیم مخلوع پهلوی بنا به ماهیت طبقاتی خود نمیتوانست در خدمت انبوه زحمتکشان قرار گیرد."

(همانجا ص ۲۹ تاکید از ماست).

> ... مبارزه ایدئولوژیک با حزب توده در همان حال مبارزه با اپورتونیسم راست بطور کلی و اپورتونیستهای "نو پای" کمیته مرکزی است.

حال اگر نظری به دنیای سال ۱۳۵۲ یعنی در شرایطی که رژیم خائن شاه با تمام تیروبه توده های محروم، فشار وارد می آورد بیافکنیم خواهیم دید که حزب توده چگونه تازیانه را توجیه و مرمت می‌کند و مینویسد:

"سیاست بازرگانی خارجی ایران نه تنها جوابگوی منافع زحمتکشان کشور نیست، بلکه از بسیاری جهات به منافع سرمایه داخلی نیز صدمه میزند. و حال آنکه با اتخاذ سیاست معقول میتوان بازرگانی خارجی را به یکی از منابع مهم تراکم سرمایه بدل ساخت. برای نیل به این هدف مهمترین شرط آن است که بازرگانی خارجی ایران به انحصار دولت درآید و دست سرمایه داران کمپرادور که مدتها است بر آن تسلط دارند، از معاملات وارداتی و صادراتی کوتاه گردد" سپس اضافه میکند:

"یکی از محسنات بزرگ برقراری انحصار دولت بر بازرگانی خارجی آنست که بوی امکان میدهد تا سهم معاملات پایاپای را در مجموع حجم بازرگانی خارجی بحداکثر افزایش دهد".

(دنیا، شماره اول سال ۱۳۵۲ ص ۸۵ تاکید از ماست)

با خواندن این جملات "دم خروس" پیدا میشود. یعنی حزب توده به رژیم شاه پیشنهاد میکرد که با انحصاری کردن بازرگانی خارجی و با اتخاذ "سیاست معقول" "دست سرمایه داران کمپرادور" را از این حوزه اقتصاد کوتاه کند. یعنی اینکه "دولت وابسته" دست "سرمایه داران وابسته" را از اقتصاد کوتاه کند والبته اگر این "سیاست بتواند (که بنظر حزب توده میتواند چرا که می‌نویسد: با اتخاذ سیاست معقول میتوان") بدین امر جامه عمل بپوشاند آنوقت سیاست بازرگانی خارجی ایران جوابگوی منافع زحمتکشان میشود.

> "البته نه تبدیل نیروهای مولده به شرکتهای سهامی و نه به مالکیت دولتی هیچکدام خصلت سرمایه‌ای نیروهای مولد را زایل نمی‌کند... دولت مدرن به هر شکلی که باشد عمدتا" یک دستگاه سرمایه‌داری است، دولت سرمایه‌داران است، ... و هرچه بیشتر نیروهای مولده را تحت مالکیت خود در آورد، بیشتر بصورت سرمایه‌دار کل واقعی درمیآید... مناسبات سرمایه‌ازبین نمیرود بلکه حتی به اوج خود میرسد."
> (انگلس: آنتی دورینگ)

واما اینهم سالی که در آن حزب توده معتقد است که "بخش دولتی اقتصاد" تعقیب میکنیم چیزی که بنظر حزب توده در شرایط فعلی دارای سمت گیریهای سوسیالیستی است

حزب توده مدعی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علیرغم کمبودهائی که دارد در اساس مترقی و دارای سمت گیری های سوسیالیستی میباشد. حزب توده برای اینکه این حکم سراپا فریبکارانه را ثابت کند ابتدا در مورد حاکمیت سیاسی پس از قیام مینویسد:

"از بررسی همه جانبه تحولات اخیر در چهارچوب رشد جنبش انقلابی اینطور میتوان نتیجه گرفت که این تحولات محصول یک برخورد طولانی دوگرایش نیرومند در دوران پس از قیام که در اپوزیسیون رژیم بود) به سیاست غارتگرانه امپریالیسم پی برده‌اند و مینویسند:

"شایان توجه است که حتی برخی از کسانی که در ایران در توسعه و بسط مناسبات بازرگانی ایران با این کشورها، بخصوص با آمریکا، نقش معینی داشته‌اند بماهیت غارتگرانه سیاست بازرگانی خارجی کشورهای امپریالیستی اعتراف می‌کنند" (همانجا صفحه ۸۷ تاکید از ماست)

حال این برخی از کسان چرا "مخالفت" می‌کنند و آیا این مخالفت "ماهوی" یا بر سر "تقسیم سود" و یا برای فریب توده‌ها و یا ... می‌باشد به حزب توده مربوط نیست والبته اگر بخواهیم این "برخی از کسان" را بشناسیم میتوانیم نظر حزب توده را از خلال نقل قولی که از یکی از سرمایه‌داران وابسته می‌آوریم دریابیم چرا که حزب توده مینویسد:

(علی رضائی، مدیر گروه صنعتی شهریار نیز بنوبه خود درباره جلب سرمایه و مدیران خارجی می‌گوید: "سرمایه‌های خارجی به درد ایران نمی‌خورد... صنعت امروز ما نیازی عاشق آب و ... دارد که بتواند ... کشور ما را ... مثل چیزی میسنت کند ... در ایران ماشین شود ... رساله ... شماره اول سال ۱۳۵۱ ص ۸۸ تاکید از ماست.)

> ... در سراسر قانون اساسی نمیتوان اصلی را یافت که بطور مشخص مالکیت را محدود کرده و یا بر اشکال مالکیت خرده بورژوائی در اساس تاکید کرده باشد.

بنا به گفته خود حزب توده به توسعه سرمایه‌داری وابسته در "ژرفا" و "پهنا" یاری میرساند. اکنون روشن میشود که چرا ما حزب توده را حزبی که در خدمت پرولتاریا و توده های زحمتکش خلق ما نمیدانیم

ممکن است کسانی پیدا شوند که بگویند حزب توده نمی‌تواند و نباید انتظار داشته باشد که بورژوازی وابسته حاکمیت سیاسی را بدست گیرد و اعمال حاکمیت کند. ولی سئوال اساسی اینجا است که حزب توده برای اینکه از کسان "می‌شود که به "ماهیت غارتگرانه" روابط با امپریالیسم پی می برند و از "خارجی" متنفر می‌شوند و بدنبال افراد "داخلی" می‌گردند که "عاشق" آبادانی مملکت می‌شوند حال این افراد "داخلی" چه کسانی هستند؟ و آیا رابطه "علی رضائی ها" با امپریالیسم بمثابه روابط عوامل درونی و بیرونی است؟ برای حزب توده که امپریالیسم را عامل خارجی می‌گیرد و آنرا ماورای طبقات می‌بیند البته حمایت از جناح "واقع بین" رژیم امری طبیعی است و بدین لحاظ حزب رفرمیست توده میگوید:

"با تکیه بر این فاکتها است که حزب ما معتقد است که در اینگونه روابط با زرگانی باید تجدید نظر شود" (همانجا صفحه ۸۷)

و تجدید نظر هم از نظر حزب توده یعنی "دولتی کردن بازرگانی خارجی و ..." و اینهم بهمن ماه، یعنی در دوران تثبیت قدرت حاکمه انقلابی است، گرایش بورژوازی لیبرال سازشکار از یکسو و گرایش دموکراسی انقلابی رادیکال متکی به زحمتکشان و اقشار متوسط شهر و روستا از سوی دیگر

(دنباله شماره ۴ آذر ۵ ... تاکید از ماست)

حزب توده، بدین مساله که این دموکراسی انقلابی رادیکال که از متن آنها وجه غالب جاکبن را در ... دارد ... برای توده های خرده ... کرده است کاری ندارد ... اینکه حرکتی اقشار متوسط شهر و روستا در کنار زحمتکشان در

بقیه در صفحه ۸

مالی کردن پراتیک حزب توده است که محصول این تئوری می‌باشد.

چرا؟ ما مساله را باز هم در محدوده "بخش دولتی اقتصاد" تعقیب میکنیم چیزی که بنظر حزب توده در شرایط فعلی دارای سمت گیریهای سوسیالیستی است

www.iran-archive.com

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
سه شنبه ۳ تیر ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۶۴- صفحه ۸

حزب توده و بخش ...

کردستان و ترکمن صحرا و ... سرکوب میشوند کاری ندارد، مهم این است که حزب توده تصمیم گرفته است که حاکمیت را در وجوه غالب "دموکراسی انقلابی رادیکال" بنا مدوا زاین بالاتر اینکه مدعی شود که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همه حاکمیت ... م و همه اجتماعی شدن مالکیت تصریح شده است زیرا مینویسد:

"نحوه برخورد به دو مساله مهم حاکمیت و مالکیت مضمون و محتوای هر انقلابی را تشکیل میدهد تداوم انقلاب پرتوان ایران دو موضوع عمده را در دستور روز قرار داده است: مساله شرکت فعال انبوه وسیع زحمتکشان در اداره امور دولتی و معضل اجتماعی شدن مالکیت که هر دوی آنها در قانون اساسی تسریع میشود" (دنیا شماره ۴- آذر ۵۸ ص ۲۱ تاکید از ماست)

حزب توده فراتر از این میرود و معتقد است که:

"آن نظام اقتصادی که در اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی منعکس گردیده، در صورت اجرای دقیق و کنترل شده آن (مگر مجریان غیر از وضع کنندگان آن هستند)، میتواند در آینده شرایط گذار به جامعه بی‌طبقه (چرا میترسید بگوئید جامعه کمونیستی) را که خواست اکثریت قاطع زحمتکشان در جمهوری اسلامی است، فراهم آورد."
(همانجا ص ۲۲- پرانتز هد از ماست)

خوب در جملات بالا دقت کنید و ببینید اپورتونیستهای ما میخواهند با چه کسانی علیه امپریالیسم وحدت کنند. آیا اگر بر فرض این که حاکمیت کنونی خرده بورژوازی باشد (که بنظر ما نیست) آیا این حاکمیت میتواند مضمحل شدن به منتهی درجه اپورتونیسم و عدول از انقلاب سوسیالیستی است (لنین - برنامه جنگی انقلاب پرولتاریائی - ص ۶۸۵ منتخب آثار)

تازه حزب توده نه فقط گذار مسالمت آمیز و راه رشد غیر سرمایه‌داری را از قانون اساسی جمهوری اسلامی نتیجه میگیرد بلکه حتی خود این قانون را نیز نمیتواند بفهمد در اصل ۴۷ قانون اساسی آمده است "مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است، ضوابط آنرا قانون معین میکند" پیداست که منظور مالکیت شخصی، لباس، خانه شخصی ... نیست بلکه مقدس، مشروع و محترم شمردن مالکیت خصوصی آنهم مالکیت خصوصی مشروع و نه محدود میباشد و در سرتاسر قانون اساسی "حدی" برای مالکیت خصوصی تعیین نشده بلکه همیشه آنرا بعهده قانون گذاشته است چیزی که براحتی با یک رای گیری در مجلس میتواند به بینهایت هم میل کند. واژه ی "مشروع" در قانون اساسی لباس شرعی است که بر تن سرمایه پوشانده تا تقدیس آنرا حفظ کنند و توده ها را از حمله به حریم سرمایه باز دارند و تنها اپورتونیستها از واژه "مشروع" منافع "خرده بورژوازی" و زحمتکشان شهر و روستا را میفهمند.

در اصل ۴۶ قانون اساسی نیز با قید کلمه "مشروع" بر مالکیت حاصل کسب و کار ربطور کلی تاکید کرده است. در اصل ۴۲، همان اصلی را که در تمام قوانین اساسی کشورهای سرمایه‌داری در جهت تقدس و مصون بودن مالکیت بورژوائی وجود دارد را می یابیم و بر مصون بودن "مال" افراد از تعرض تاکید کرده است. در اصل ۴۴ که اپورتونیست‌های حزب توده از آن انتظار سوسیالیستی کردن جامعه را دارند یکبار دیگر با تاکید بر بخش خصوصی، بر مالکیت خصوصی بورژوائی (و نه مالکیت خصوصی محدود) و حفظ منافع و مصالح سرمایه داران تاکید کرده است و همان طور که گفتیم در سراسر قانون اساسی نمیتوان اصلی را یافت که بطور مشخص مالکیت را محدود کرده و یا برانگال مالکیت خرده بورژوائی در اساس تاکید کرده باشد. اصل ۴۴ قانون اساسی که بر بخش دولتی اقتصاد تاکید شده نمیتوان این قانون را دارای ماهیت خرده بورژوائی نامید. اتفاقا" در همین اصل است که ماهیت بورژوائی این نظام را بخوبی میتوان مشاهده کرد. در همین اصل است که مالکیت خصوصی بورژوائی مورد حمایت صریح قرار میگیرد و با حمایت آشکار از مالکیت خصوصی (بدون هیچگونه محدودیتی برای آن) بورژوائی، بخش دولتی را بعنوان بخش دولتی سرمایه‌داری وابسته مکمل این بخش قرار میدهد. در این اصل در سه بخش خصوصی، تعاونی و دولتی اقتصاد تاکید شده است و در مورد بخش دولتی گفته میشود که بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه های بزرگ آبرسانی ... که بصورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است" در نظر گرفتن آنچه که در این اصل قانون اساسی درباره بخش دولتی گفته شده است، بدون توجه به مناسبات حاکم و حمایت صریح از بخش خصوصی (بدون هیچ گونه محدودیت برای آن) در همین اصل، نقش بخش دولتی در اقتصاد وابسته، بحران اقتصادی و مرحله تکاملی سرمایه داری جهانی و ... ممکن است این تصور را پیش آورد که این همان مهرونشان خرده بورژوازی در قانون اساسی است که زمینه گذار به جامعه بی‌طبقه را فراهم میسازد. اما قبل از هر چیز باید در نظر داشت که در شرایط تسلط مناسبات سرمایه داری وابسته، بخش دولتی اقتصاد چیزی جز سرمایه‌داری دولتی وابسته نیست که دقیقا "در خدمت بورژوازی است. در گذشته نیز بخش وسیعی از آنچه که در اینجا بعنوان بخش دولتی به آن اشاره شده است، جزء بخش دولتی اقتصادی و حزب توده هم از رژیم شاه میخواست که بخشهای دیگر را هم دولتی کند. در حالیکه این بخش یکی از کانالهای اصلی انباشت سرمایه برای بورژوازی وابسته محسوب میشود اما نکته دیگری که حزب توده نمیتواند بفهمد و نمیخواهد بفهمد این است که در جامعه بحران اقتصادی وجود دارد و درک این مساله غیر از تکرار طوطی وار آن است حتی در کشورهای امپریالیستی هنگامیکه جامعه با یک بحران حاد روبروست، برای نجات سرمایه‌داری پاره‌ای از صنایع یا موسسات دیگر بخش خصوصی، دولتی میشوند. و قابل تذکر است که در شرایط کنونی سیستم جهانی سرمایه داری بعللی که در اینجا مجال تشریح آن نیست نقش دولت در اقتصاد بسیار افزایش یافته است و از این طریق ارزش اضافی بدست آمده، بین سرمایه‌داران تقسیم میشود. اما دیدن و درک این واقعیات برای رهبران و تئوریسینهای حزب توده امکان ندارد بهمانگونه که "سرمایه" نمیتواند خود را تغذی کند اگرچه در درونش ضد خود را پرورش میدهد کسانیکه بنحوی در خدمت "سرمایه" و نه "کار" هستند نیز نمیتوانند خود را تغذی کنند اما برای مابسی رنج آور است که از بین ما کسانی دعوت حزب توده را برای منجلاب پذیرفته‌اند.

****

> "کسی که مبارزه طبقات را قبول دارد نمیتواند جنگهای داخلی را که در هر جامعه طبقاتی بمثابه ادامه تکامل و تشدید طبیعی و در موارد مخصوص اجتناب ناپذیر مبارزه طبقاتی است قبول نداشته باشد. تمام انقلابهای کبیر مویدا این اصلند. نفی یا فراموش نمودن جنگهای داخلی معنایش دچار شدن به منتهی درجه اپورتونیسم و عدول از انقلاب سوسیالیستی است.
>
> (لنین- برنامه جنگی انقلاب پرولتاریائی)

> "... مادامیکه مناسبات مسلط را در جامعه ما، مناسبات سرمایه‌داری تشکیل میدهد و مادامیکه قدرت دولتی عملا" در دست بورژوازی است، این بخش نه در خدمت زحمتکشان، نه دارای سمت گیری‌های سوسیالیستی، بلکه در خدمت بورژوازی و ترمیم و بازسازی مناسبات موجود است.

کار
ویژه ۸ تیر
منتشر
می شود

www.iran-archive.com

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
سه‌شنبه ۳ تیر ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۶۴- صفحه ۹

مرحله دوّم طرح ترافیک و اعتراض رانندگان تاکسی

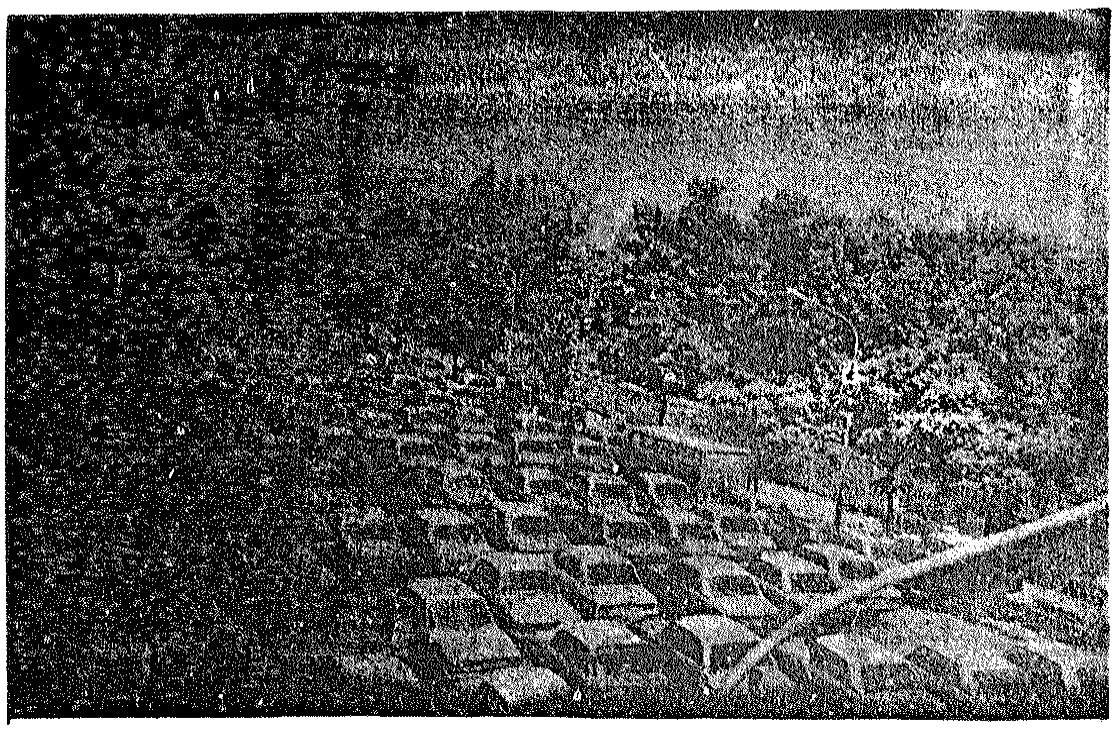

درپی اجرای مرحله دوم طرح ترافیک، که در بخشی از آن عبور تاکسی از خطوط ویژه ممنوع اعلام شده بود، رانندگان تاکسی دست به اعتصاب زدند و با حرکت دسته جمعی و متوقف کردن تاکسی‌ها در خیابانها، تجمع جلوی شرکت تعاونی تاکسی‌رانی نسبت به مسئله عبور تاکسی‌ها از خطوط ویژه اعتراض کرده و خواستار برآورده شدن خواسته‌های خود شدند. این خواستها شامل بیمه، حق مسکن کوپن بنزین، تامین قطعات یدکی و تشکیل اتحادیه است اما دولت، که هرگونه حرکت حق طلبانه‌ای را زیر لوای ضدانقلابی بودن و اینکه این حرکات از سوی ایادی "رژیم گذشته" و یا واک "طرح‌ریزی و اجرا می‌شود، محکوم می‌کند، بدون توجه به خواستهای آن‌ها مأموران کمیته و پاسداران را برای متفرق کردن و سرکوبی آنها گسیل داشت. دسته‌های چماقدار و حزب‌اللهی نیز طبق معمول برای حمله به این تجمع بسیج شدند. و در درگیری که بین این عناصر و رانندگان تاکسی درگرفت چند تن از رانندگان مضروب و مجروح شدند. اما رانندگان دست از پیگیری خواسته‌های خویش برنداشتند و همچنان به حرکت خود ادامه دادند. آنها چند بار دور جلوی شرکت تعاونی تاکسیرانی، اجتماع کردند، یکروز جلوی شهرداری جمع شدند که رئیس جمهور به ناچار در تجمع آنها حاضر شد و قول داد مناظره‌ای بین نمایندگان تاکسی‌رانان و شهردار ترتیب دهد و خودش نیز یکبار آنها رسیدگی کند. با این همه هنوز رانندگان تاکسی به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌اند.

یکی از رانندگان تاکسی پیرامون علت اعتراض به طرح ترافیک و نیز خواسته‌های دیگرشان می‌گفت: "خط ویژه را که برداشتند هم مسافر ناراضی است و هم راننده تاکسی، چون خیلی از مسیرها پرت می‌شود، راه طولانی‌تر می‌شود، مسافر هم دیرتر و گران‌تر به مقصد می‌رسد، همیشه هم مقداری راه را باید پیاده

رئیس جمهور در تجمع رانندگان تاکسی حاضر شد و به آنها وعده رسیدگی داد، اما هنوز رانندگان نتیجه‌ای نگرفته‌اند.

برود. مثلاً از سه راه عباس‌آباد تا میدان راه‌آهن، راه مشکلی است چون از خط ویژه نمی‌شود رفت. چرا که از خیابان معدی تا میدان ولی‌عصر محازیم، بعدش را باید از میدان انقلاب و سپتری و یا از فرعی‌ها برویم خیابانها هم که چون تاکسی و شخصی یکی شده خیلی شلوغ است. اینها بدون اینکه به فکر ما باشند می‌خواهند مردم را به طرف اتوبوس جلب کنند، درصورتی که اتوبوس کم است و مسافر زیاد، سرویس‌ها نامنظم است و معطلی بسیار. "لذا" صلا" بنظر من باید در این طرح‌ریزی چند تا شوفر کهنه‌کار تاکسی هم می‌بودند که اینطوری نشود".

یکی دیگر از رانندگان تاکسی درباره ساعت کار و درآمدش می‌گوید: "اگر یکوب کار کنم، اعصابم خورد شده و توی این هوای گرم و ترافیک و دود و دم بتوانم خودم را یکشم، ۸ ساعت کار میکنم، که درآمد هر ساعتش می‌شود ۳۰ تومان روزی ۲۴۰ تومان از این مبلغ ۳۰ تومنش فقط بابت بنزین می‌رود، از بقیه‌اش هم، تومنی چهار ریال به من می‌رسد، که با این گرانی، گوشت کیلو ۵۰ و ۶۰ تومان و سیگار کران که تازه گیر نمیاید، هیچی نیست حالا خرابی ماشین و خرج های دیگرش بماند. از ۸ ساعت بیشتر کار کردن هم واقعاً" طاقت و بنیه می‌خواهد. گاهی می‌رسد که ۱۰ ساعت ده صبح صبحانه میخورم و سه بعدازظهر ناهار، دیگه از اعصاب خوردشدنها و یکی بدو کردن با مسافر و دیگرون نمی‌گویم".

راننده دیگری که خودش نیز، مالک تاکسی بود درباره وسایل یدکی و کوپن بنزین میگفت: "تاکسی‌ها هر سال در حدود پنج‌هزار تومان سهمیه بنزین دارند، که تا الان که سه ماه از سال نو می‌گذرد، شرکت تعاونی به ما نداده.. شرکت می‌گوید هنوز وزارت دارائی نداده است. لوازم یدکی مورد نیاز تاکسی‌ها را شرکت تامین نمی‌کند، مثلاً یک دانه آمپرپمپ را که در شرکت قیمت آن حدود ۲۰۰ تومان است شرکت به ما نمی‌دهد و ما مجبوریم از بیرون به ۴۰۰ تومان بخریم".

راننده دیگری پیرامون حق بیمه و مسکن و شرکت تعاونی، ضمن اینکه سندهایی را که سالها قبل بابت خانه پول داده بودنشان می‌داد، می‌گفت: "الان نزدیک هفت سال است از ما حق مسکن گرفته‌اند ولی هنوز که هنوزه، من اجاره نشینم و خانه‌ای ندیده‌ام. بیمه هم که اصلاً" نداریم همه این کارها را باید این شرکت تعاونی انجام می‌داده که نداده، به نظر ما این شرکت ساختگی و دکوراسیونه اصلاً" به تاکسی‌دارها نمی‌رسه، آدم‌هایی هم که توی شرکت هستند و یا بعنوان به اصطلاح نماینده انتخاب شدند، مثل حاجی مدنی بیشتر دوست‌هاو آشناهای خودشان هستند یا آن نماینده‌ای که آن شب از تلویزیون حرف زد، همه اورامیشناسند که چگونه آدمی است اینها هیچ‌کدام بدردما نمی‌رسند، ما باید از این پراکندگی دربیائیم الان راننده، راننده را نمی‌شناسد، آخه این وضع درست نیست، ما باید اتحادیه تشکیل بدهیم رانندگان تاکسی که جزو زحمتکشان جامعه ما هستند، همچون دیگر زحمتکشان، دچار محرومیت‌ها و رنج‌هائی هستند و خواست‌های برحق آنها بی‌تردید باید برآورده شود. دولت باید این واقعیت را درک کند که هیچ نیروئی قادر نیست با توسل به شیوه‌های سرکوب جلو حرکت توده‌ها را سد کند.

کارگران کارخانه ارج خواستار تقلیل کار پنجشنبه‌ها هستند

کارگران شیفت دوم کارخانه ارج، پنجشنبه ۲۹ خرداد ماه، در اعتراض به برنامه کار پنجشنبه‌های خود دست از کار کشیدند و جلو دفتر اداری کارخانه جمع شدند.

اعتراض کارگران به تصمیم شورا بود که برنامه کار پنجشنبه کارگران شیفت دوم را از ۹ ساعت به ۶/۵ ساعت یعنی از ۱۲/۳۰ تا ۱۹ رسانده بود. در عوض نیم ساعت به کار روزهای دیگر افزوده و نیم ساعت وقت شام کارگران را حذف کرده بود.

حرکت اعتراضی این کارگران که در قسمت پرسکاری و مونتاژ بودند مورد پشتیبانی کارگران اکثر قسمت‌های دیگر قرار گرفت و شورا برای جلوگیری از گسترش اعتراض کارگران و با تاکید بر اینکه "هرچه شما میگوئید درست است" وعده داد که روز شنبه به خواست‌های آنها رسیدگی کند. کارگران قسمت پرسکاری روز پنجشنبه از ادامه کار خودداری کردند.

◆◆◆◆◆

اعتراض کارگران "ساکا" به دستگیری نمایندگان خود

بیش از سیصد تن از کارگران کارخانه ساکا، بهمراه خانواده‌هایشان روز شنبه سی و یکم خرداد ماه جلو کاخ نخست‌وزیری گرد آمده و خواستار آزادی نمایندگان خود بودند. آنها شعار میدادند "حرف پوچ است عمل کنید، کارمندی را آزاد کنید"، "نماینده زندانی آزاد باید گردد".

این تجمع در پی دستگیری هفت نفر از نمایندگان کارگران این کارخانه بود که پانزده روز پیش از این تاریخ، با طرح اتهامات بی‌اساس از جانب مدیریت و انجمن اسلامی کارگران صورت گرفت. در طول روزهای گذشته شش نفر از نمایندگان آزاد شدند اما نماینده محبوب و مبارز کارگران، احمد رضا کریمی حصاری تا تاریخ مذکور همچنان در زندان بود.

هنگام تجمع کارگران جلو کاخ نخست وزیری، تعداد زیادی از مأموران شهربانی با بی‌سیم و مسلسل در آنجا حضور یافتند.

◆◆◆◆◆

اخراج ۶۰ کارگر ایران ناسیونال طی شش روز

در کارخانه ایران ناسیونال از تاریخ ۱۴ تا ۱۹ خرداد ماه، حدود ۶۰ کارگر را تحت عناوین "پاکسازی" "اخلال" "ضدانقلاب" و ..... اخراج کرده‌اند.

اخراج کارگران بدنبال طرح خواستهای رفاهی آنها صورت گرفت. روز ۱۳ خرداد نماینده قسمت تشک دوزی کارخانه به شورا مراجعه می‌کند و خواست‌های رفاهی کارگران از جمله تعویض شیفت، اضافه حقوق تعطیل پنجشنبه‌ها و ... را مطرح می‌کند. اما بزودی دستور اخراج این نماینده داده می‌شود.

بعدازظهر آنروز کارگران به حمایت از نماینده خود از سرویس‌ها پیاده می‌شوند و بمدت یکساعت علیه مخلصی نامی که حکم اخراج نماینده را صادر کرده بود شعار می‌دهند.

صبح روز بعد مخلصی و رضوی نماینده و دبیر سندیکا کارگران را در پارکینگ کارخانه جمع کرده و برای آنها سخنرانی می‌کنند. آنها کارگران را تشویق به تولید بیشتر دعوت می‌کنند و مسئولیت اخراج نمایندگان را به عهده سندیکا می‌گذارند. پس از آن اعضاء انجمن اسلامی کارخانه با دستیاران مزدور آن رژیم سابق یکی از کارگران پیشرو را شدیداً" مورد حمله و ضرب و جرح قرار میدهند و از فردای آنروز تصفیه‌ها و اخراج کارگران در کارخانه آغاز می‌شود. این است ماهیت رژیمی که با اصطلاح خودشان حمایت از "مستضعفین" را به عهده گرفته است.

اخراج و بیکاری کارگران، فقر و گرسنگی آنها، این است نصیب کارگران در نظام سرمایه‌داری. برای اینکه کارگران به خواستهای بحق خود برسند، برای اینکه ریشه‌های فقر و بدبختی، بیکاری و گرسنگی را براندازند، باید متشکل و آگاه شوند. باید وحدت خود را حفظ کنند و مبارزه خود را علیه سرمایه‌داران خصوصی و یا دولتی که بنمایندگی از سرمایه‌داران کارگران را استثمار می‌کنند، ادامه دهند.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

www.iran-archive.com

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
سه شنبه ۳ تیر ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۶۴- صفحه ۱۰

افشای سرکوبگران خلق کرد

وظیفه همه نیروهای انقلابی ست

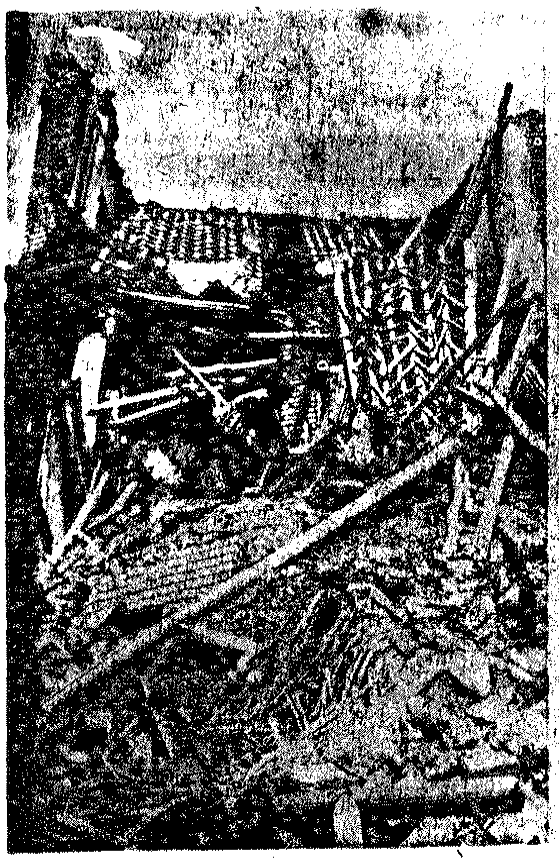

یورش سرکوبگرانه و بی‌رحمانه‌ای که از سوی ارگانهای سرکوب جمهوری اسلامی به خلق قهرمان کرد آغاز شده تاکنون صدها شهید و هزاران زخمی برجای گذاشته است که تراژیک بمباران فاشیستی و وحشیگریهای حاکمان خود را آشکار ساخته است.

در این یورش به سنگرها و پیشمرگان و پیشمردان و پیشروان بود که سهمگینترین بار را متحمل شدند علاوه بر این گروه زیادی از زحمتکشان کرد نیز در بمباران های شبانه و حملات و ویرانی خانه و کاشانه خود آواره شهرها و روستاهای مجاور شده‌اند و در سخت‌ترین شرایط بسر می‌برند.

خلق کرد که هزاران شهید در دریای قهرمان خود را تقدیم داده است، تمامی تلاش‌ها و مصیبت‌ها را در راه آرمان بزرگ و انقلابی خود تحمل خواهد کرد. خلق کرد بخوبی آگاه است که پیروزی خلق امری محتوم و ضرورت اجتناب ناپذیر تاریخ است.

پاسخ به سئوالات

بدنبال انتشار "کار" ویژه مسائل خاورمیانه جنبش و طرح مسائل مورد اختلاف ما با "کمیته مرکزی" بدلیل ناکافی بودن توضیحات ما برای برخی از رفقا و خوانندگان سوالاتی طرح شد که ما هم برای پاسخگوئی به چنین سوالاتی و هم برای دامن زدن هرچه بیشتر به مبارزه ایدئولوژیک علنی اختصاص دادن بحثی را بدین امر ضروری دیدیم.

موردی که بیشتر از هرچیز برای خوانندگان سوال و کنجکاوی ایجاد کرده است، موضوع مذاکرات "کمیته مرکزی" با عناصری از هیئت حاکمه است که ما آنرا در شماره مورخ ۲۲ خرداد ماه عنوان کردیم.

اولا "خیلی ها خواستند که متن مذاکرات را در اختیار عموم بگذاریم و برخی ها تصور کرده‌اند که ما با هرگونه مذاکره‌ای مخالفیم و بصرف اینکه بهشتی یا بنی‌صدر از مهره‌های مهم هیئت حاکمه هستند و اساسا "سیاستهای بورژوائی را تعقیب می‌کنند، پس مذاکره با آنان از هر موضع و بهر منظوری که باشد خطاست!

نه رفقا چنین نیست. اتفاقا "ما برای جلوگیری از ایجاد چنین سوءتفاهمی در آنجا که بموضوع و مسائل مورد مذاکره اشاره می‌کنیم در داخل پرانتز توضیح داده‌ایم: "(یعنی چیزی که بدون سازش کامل با بورژوازی و شرکت در مواضع انقلابی، تحقق پذیر نیست)".

بنابراین طبیعی است که ما با هرگونه مذاکره‌ای مخالفیم. منتهی برای ما این اهمیت اساسی دارد که مذاکره با چه هدفی صورت گرفته است، بعبارتی روشنتر: سازش از نظر ما همواره مردود شمرده نمی‌شود. منتهی چون سازش برای مارکسیست - لنینیستها همواره جنبه موقتی دارد، بنابراین باید دید که مذاکره یا سازش مورد نظر بعنوان یک تاکتیک در رابطه با کدام استراتژی اتخاذ شده است؟ شاید بعضی ها تصور کنند که چنین تاکتیکی شبیه‌ما نند سایر حرکات "کمیته مرکزی" بدون استراتژی و برمبنای "این واقعه تا آن واقعه" اتخاذ شده است. ولی اینبار بگونه‌ای دیگر است. امروز "کمیته مرکزی" با استفاده شایان توجه از تجارب سیاسی - تئوریک چند ده ساله حزب توده و بر زمینه گرایشات طبقاتی خویش، هدف مشخصی را دنبال می‌کند. آنها نیز همانند حزب توده، انقلاب ایران را پیروزشده و بعبارتی "دمکراتیک ملی" ارزیابی میکنند. بنابراین از نظر "کمیته مرکزی" چنین مذاکراتی نه تنها تاکتیکی نیست، بلکه این مذاکرات (با کمال خلوص نیت) گامیست در جهت زدودن سوءتفاهمات ناشی از چپ‌رویهای گذشته! و مقدمه‌ایست برای "ایجاد نظم" و بالابردن تولید" و در یک کلام "تثبیت حاکمیت" و برپائی دیگر کوششی است در جهت تقویت خرده بورژوازی! و تحقق "راه رشد غیر سرمایه‌داری".

آنچه که ما را وامیدارد تا سیاستهای "کمیته مرکزی" را افشاء کنیم این نیست که چرا به "راه رشد غیرسرمایه‌داری" اعتقاد دارد و یا حاکمیت را ملی و مترقی میداند. بحث ما بر سر این است که چرا اعتقاداتش را صریحا اعلام نمی‌کند و با عوام فریبی می‌خواهد "شریک در دو رفیق قافله" باشد.

چنین امری بویژه از این نظر حائز اهمیت است که امروز توده‌های بسیاری از هواداران به اعتبار سازش‌ناپذیری تاریخی سازمان تسلط اپورتونیسم را بر مرکز رهبری کننده آن به دشواری باور میکنند و سیاست‌های عمیقا اپورتونیستی "کمیته مرکزی" را امری موقتی و یا تاکتیکی قلمداد مینمایند!

ما در اینجا برای آگاهی بیشتر رفقا و خوانندگان و برخلاف میل و تصمیمات "کمیته مرکزی" با استناد به گزارش درون سازمانی صریحا "اعلام می‌کنیم که "کمیته مرکزی" در مذاکراتش با بهشتی راجع به جنگ در کردستان، خواهان صلح بهر قیمت بوده.

برای قانونی کردن نشریه کار، مدیحانه بر موضع سرمقاله کار "۵۹" تاکید نموده در مطالبه دفتر علنی از موضع "مارکسیسم قانونی" برخورد کرده و در یک کلام پرنسیب‌های کمونیستی را زیرپا گذاشته است.

آقای بهشتی هم متقابلا "گفته است: "این چرخش خود را صریح و آشکارا اعلام کنید. این خیلی مثبت است، وضع را بنفع شما تغییر خواهد داد." (نقل از گزارش کمیته مرکزی) حال بگذارید کمی هم درباره "امنیتی" بودن سند مزبور برایتان بگوئیم:

درحالیکه متن مذاکرات مزبور بصورت نوار در خدمت آقای بهشتی وجود دارد و حتی برخی مطبوعات از آن باخبر شده‌اند، "کمیته مرکزی" به گزارش کتبی آن (که آنهم بدست خودش تهیه شده!) مهر "امنیتی" کوبیده است!! آیا میتوان در این تردید داشت که "کمیته مرکزی" با آقای بهشتی احساس نزدیکی بیشتری دارد، تا با توده‌ها؟!

آیا این نشان نمیدهد که "کمیته مرکزی" موازین بورژوائی را به جای ضوابط کمونیستی جایگزین کرده، و یا لااقل درکی خرده بورژوائی از موازین و ضوابط تشکیلات کمونیستی دارد؟!.

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

www.iran-archive.com

سه شنبه ۳ تیر ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۶۴- صفحه ۱۰

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار

بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (۲)

شکل‌گیری نخستین نطفه‌های جنبش مستقل کارگری

الف. قبل از قیام

فشار اقتصادی ناشی از عمق یابی بحران شدت یافتن تضادهای درون حاکمیت و در نتیجه کاهش توان سرکوب آن، اوجگیری حرکات و اعتراضات اقشار خرده‌بورژوازی و بالاخص خرده‌بورژوازی سنتی باعث اوجگیری مبارزات کارگران شد. در ابتدا عمده حرکات و اعتراضات کارگران برای خواستهای اقتصادی و تامین شرایط بهتر کار و زندگی بود. بعلاوه کارگران بمثابه جزئی از خلق و بعبارت دیگر بصورت توده‌ای غیر متشکل و فاقد هویت طبقاتی در مبارزات قهرمانانه شهروندان علیه رژیم شاه مبارزه میکردند و جان می‌باختند.

در پی کشتار وحشیانه ۱۷ شهریور، مبارزات کارگران بالاخص در واحدهای بزرگ صنعتی (پرولتاریای صنعتی) وارد مرحله نوینی شد. علاوه بر گسترش مبارزات اقتصادی (حتی در واحدهای عقب مانده) و بروز خواستهای مرتبا "رو به افزایش"، خواستهای سیاسی در مبارزات کارگران برجستگی خاصی یافت.

اعتراضات، اعتصابات طولانی مدت، کم‌کاری، میتینگ و تظاهرات در درون واحدها و حتی در خیابانها (راه‌پیمائی کارگران تراکتورسازی تبریز و راه‌آهن و ماشین سازی اراک با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" از جمله اشکال مبارزاتی کارگران بود.

خواستهای سیاسی کارگران عبارت بود از: بازگرداندن کارگرانی که بخاطر فعالیتهای سیاسی اخراج شده بودند؛ اعلام همبستگی با مبارزات مردم و بخصوص کارگران اعتصابی نفت؛ آزادی زندانیان سیاسی؛ انحلال ساواک، بازگشت خمینی، برقراری جمهوری اسلامی.

با اوجگیری مبارزات خلق حول شعار وحدت دهنده "مرگ بر شاه" و تثبیت رهبری آیت‌الله خمینی بر جنبش، کارگران نیز با اشکال مختلف که عمدتاً توسط رهبری انقلاب توصیه میشد، جهت تحقق این شعار مبارزه میکردند. در این مقطع با قاطعیت می‌توان گفت که جنبش طبقه کارگر هویت مستقل نداشت و برانگیزنده جنبش دموکراتیک و بالاخص خرده‌بورژوائی بدل شده بود. تنها گاهگاهی آنهم بصورت جرقه‌یی نشانه‌هایی از استقلال و با فرمانی از فرامین رهبری دیده میشد:

پاسخ اولیه منفی نفتگران به پیشنهادات بازرگان نماینده امام در مورد تولید نفت، راه‌پیمائی کارگران تراکتورسازی از کارخانه بطرف شهر با موضع‌گیری و شعارهای مشخص طبقاتی که توسط پیشروان طبقه کارگر سازمان یافته بود

آگاهی کارگران از طبقه خود و صف مستقل خود بشکل نطفه‌یی اینجا و آنجا بصورت اعلام همبستگی با دیگر کارگران و سهیم دانستن خود در مبارزات آنان بروز می‌کرد بخصوص هرچه به روزهای آخر حکومت شاه نزدیک می‌شدیم، شرکت کارگران در مبارزات دیگر واحدها و با قرائت اعلام همبستگی در اجتماعات کارگران مبارز دیگر واحدها بیشتر و بیشتر می‌شود. حتی در این زمان شاهد مسافرت‌های طولانی کارگران پیشرو برای شرکت و یا اعلام همبستگی با کارگران اعتصابی واحدهای دیگر بوده‌ایم. از طرف دیگر پیشروترین کارگران ایران (نفتگران) با سازماندهی خود در "سندیکای مشترک کارکنان صنعت نفت" برای رهبری اعتصاب و صدور اولین اعلامیه در سیزدهم دیماه ۵۷ در مورد اعتصاب خود موجودیت تشکلی توده‌یی با اهدافی نسبتا "روشن را اعلام کردند و اولین جرقه‌های حرکت سیاسی متشکل و آگاهانه کارگران را بنمایش گذاشتند: "چرا اعتصاب کرده‌ایم؟ واقعیت اینست که همه مردم ایران، یکپارچه برای دست یافتن بدو هدف قیام کرده‌اند: درهم شکستن استبداد داخلی و آزاد ساختن وطن از زنجیرهای استعمار بیگانه".

تشکیلات کارگری که عمدتا "بصورت سندیکاهای فرمایشی و زرد و "شه ساخته" بود روز بروز رنگباخته‌تر میشد و در بسیاری از واحدها از هم می‌پاشید. بتدریج و در پاسخ به ضروریات مبارزه و تداوم و ارتقای آن، نطفه‌های تشکل های مناسب این شرایط شکل می‌گرفت کمیته‌های اعتصاب از جمله این تشکلها بود که در واحدهای تولیدی بزرگ و سرتاسری و صنعتی بوجود آمد (نفت، راه‌آهن، ماشین سازی اراک، وتبریز، تراکتور سازی تبریز، ماشین سازی پارس (اراک)). این کمیته‌ها در ارتباط با دیگر بخش ها به "کمیته‌های هماهنگی اعتصاب" بدل شد.

این کمیته‌های اعتصاب در واقع نطفه‌های شوراهایی بود که بعداً تشکیل شد. از نیمه دوم سال ۵۷ ببعد مبارزات سیاسی در واحدهایی که اهمیت استراتژیک داشتند (نفت، راه‌آهن، برق وغیره) با شعارهای سیاسی مشخصی آشکار می‌شود و این حرکات اعتراضی بتدریج تشکلهای مناسب خود (شوراها) را می‌یابند بدینترتیب نخستین شوراها پدید آمدند که زائیده اعتصابات عمومی و محصول تکامل مبارزات توده‌ای و نفی مناسبات پوسیده حاکم و برقراری شکل نوین اعمال حاکمیت بودند (در پالایشگاه آبادان از ۲۲ مهرماه، در صنعت نفت اهواز از ۳۰ مهرماه، در راه‌آهن از ۲۰ دیماه .....) بدین معنا که علاوه بر وظیفه سازماندهی و هماهنگی اعتصابات (مثلا" نفت) همچون قدرتی خودمختار با وزرا وارد مذاکره و تصمیم‌گیری میشدند، (مذاکره با انصاری مدیرعامل نفت رژیم شاه) و بدون توجه به تهدیدات دولت میزان تولید نفت را کاهش دادند و بعد بکلی قطع کردند، جلوی صدور نفت را گرفتند، با جمعیت حقوقدانان، نمایندگان جمعیتهای خارجی ....، بطور رسمی مذاکره کردند، برخی از روسای دولتی را اخراج کردند و خلاصه بدون دستور کمیته اعتصاب کمترا قدام صنفی و یا سیاسی در صنعت نفت امکان پذیر بود.

با در راه آهن، با نظر و دستور کمیته اعتصاب، کارگران و کارکنان از حمل و نقلهای تسلیحاتی دولت جلوگیری میکردند آذوقه و نفت مورد نیاز مردم را علیرغم کارشکنی‌های دولت با فداکاری و جدیت تمام حمل میکردند. قطارها را برای فلج کردن قدرت تحرک دولت میخواباندند، برخی از مدیران را اخراج می‌کردند و اداره امور را بدست می‌گرفتند.

بطور کلی وضعیت تشکلهای موجود (با توجه باینکه سطح تشکل کارگران بسیار پائین بود) بدینصورت بود که عموما "سندیکاهای زرد" که وجود داشت، پروسه تلاشی و از هم پاشیدگی را می‌پیمود. در این دوره در واحدهای کوچک تولیدی اصناف: خیاطها، کفاشها، بافنده‌ها، فلزکاران و غیره) پروسه انحلال سندیکاهای زرد و یا غیر فعال بتدریج طی میشد.

۲- از قیام تا دوره سرکوب وحشیانه جنبش خلق کرد و تهاجم بآزادیها و حقوق دموکراتیک

شور مبارزاتی و شعور حاصل از شرکت در قیام کارگران را متشکل میکند

در روزهای قیام کارگران نه بعنوان یک نیروی مستقل، بلکه بصورت انبوهی عظیم از توده‌های انقلابی فاقد تشکل و آگاهی طبقاتی، قاطعانه‌تر و رادیکالتر از همه اقشار و طبقات بعرصه مبارزات خیابانی پا گذاشتند.

در این روزها کارگران بهمراه دیگر زحمتکشان بخوبی نشان دادند که از درهم شکستن ماشین حکومتی نه تنها بیمی ندارند بلکه قاطعانه خواهان آن هستند، در حالیکه نمایندگان خرده‌بورژوازی بواسطه تردید و تزلزلشان در حساس‌ترین شرایط، نه تنها جسارت انقلابی لازم را برای تداوم و گسترش این مبارزه از خود نشان ندادند، بلکه محافظه‌کارانه تلاش کردند تا شور انقلابی توده‌ها را مهار کنند. ولی قاطعیت انقلابی توده‌های قیام‌کننده، مانع بزرگی در راه تحویل آرام قدرت از دستی بدست دیگر شد. این مبارزه بنمایندگان مرد خرده‌بورژوازی سنتی و دیگر نمایندگان بورژوازی وابسته اجازه تحویل گرفتن دولت از بالا را نداد و این نشانه قدرت و قاطعیت کارگران و زحمتکشان بود. ولی این قدرت و قاطعیت غریزی فاقد هویت طبقاتی و سیاست مستقل بود و بهمین دلیل نیز نتوانست مهر خود را برقیام بزند.

از سوی دیگر اکثر واحدهای تولیدی در جریان قیام بعلل مختلف از جمله فرار سرمایه‌داران، کمبود یا نداشتن مواد اولیه، بستن کارخانه توسط سرمایه‌داران برای فشار بر کارگران، اعتصاب کارگران و غیره، تعطیل شده بودند. روز بیست و هشتم بهمن ماه به تبعیت از پیام خمینی کارگران بواحدهای تولیدی خود بازگشتند تا کارخانه‌ها را براه اندازند و چرخ تولید را بحرکت درآورند.

موج بازگشت کارگران بکارخانه‌ها بهمراه خود شور حاصل از پیروزی و شعور حاصل از قیام و وقوف به نیرو و توان عظیم خلق را وارد کارخانه‌ها کرد.

ادامه دارد

www.iran-archive.com

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

کار

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سه شنبه ۳ تیر ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۶۴- صفحه ۱۲

توضیح

با علنی شدن مبارزه ایدئولوژیک وانتشار "کار ویژه مسائل حاد و مبرم جنبش ما "که خود بیانگر مرحله جدیدی در مبارزه جدی وقاطعانه ما علیه خط انحرافی حاکم بر سازمان بود، ما در شماره های ۶۱، ۶۲ و ۶۳ بدون هرگونه موضع گیری سیاسی به ارائه نظرات مان بشکل سیاسی — تئوریک پرداختیم.

هدف ما از انتشار کار ویژه "مسائل حاد و مبرم جنبش ما" قبل از هرچیز مبارزه ایدئولوژیک علیه گرایش اپورتونیستی درون سازمان برهبری "کمیته مرکزی" بود. بنابراین ما از هرگونه موضع گیری سیاسی بنام سازمان خودداری کردیم. اما پس از آنکه "کمیته مرکزی" بدون هرگونه بحث ومداکره، خودسرانه طی اطلاعیه ای رسما" جدائی خود را از ما و جنبش توده ای ومبارز بحق خلقها اعلام نمود، این جدایی نمی‌توانست بر مضمون ومقالات مندرج در "کار" تاثیر نگذارد. ما از این پس موظف بودیم که بنام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران موضع گیری سیاسی کنیم. بدین لحاظ ما تصمیم گرفتیم از این پس "کار" را عمدتا" بعنوان نشریه ای تبلیغی — سیاسی منتشر کنیم ومقالات سیاسی — تئوریک را به "نبرد خلق" یا صمیمه "کار" منتقل نمائیم.

پاسخ به سؤالات

در صفحه ۱۰

از آن زمان که "کمیته مرکزی" راه سازش ومماشات در پیش گرفت وبی‌لیاقتی خویش را در دفاع از منافع کارگران وزحمتکشان در پیشگاه خلق بنمایش گذاشت امپریالیسم، سرمایه داران وابسته، جناح های مختلف هیئت حاکمه وگروهکهای رسوائی مثل "حزب رنجبران" که عملا" زیر حمایت امپریالیستها به فعالیت های ضدانقلابی مشغولند، به خیال خودشان سنگر زحمتکشان را بی‌دفاع یافته وبا توطئه گری وشایعه پراکنی، تلاش وسیعی را علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران آغاز کرده اند. از جمله این توطئه ها، انتشار نزاکتی بود که "اخیرا" تحت عنوان دعوت به میتینگ از طرف رسوایان سه جناحی وبا امضای جعلی "جناح مستقل" در سطح تهران منتشر شد که با هوشیاری نیروهای انقلابی، از همان آغاز شناخته شده وافشا شدند در عین حال جاعلین توطئه گر که مشتشان باز شده بود یکبار دیگر مبادرت به انتشار بیانیه ای تحت عنوان "اعلام مواضع" نمودند تا شاید این بار بتوانند اذهان عمومی را مشوب سازند. منتها این بار هم رد آنها در لابلای جملاتشان بصورت "ابر قدرتها" پیدا بود و باز هم توطئه هایشان نقش بر آب شد.

ما در امر مبارزه با چنین اقدامات توطئه گرانه ای، همه هواداران را به برخورد هشیارانه تر دعوت میکنیم و میخواهیم که در برابر توده ها به افشاء ماهیت این عمال ضدانقلابی پرداخته ونسبت به موضعگیریهای موضعگیرانه سایر جریانهای انحرافی به میزان افشاگریهای خود بیافزایند.

پیروز باشید

هشدار به هواداران

اخیرا "پس از علنی شدن مبارزه ایدئولوژیک واعلام انشعاب توسط جناح اکثریت "کمیته مرکزی"، عناصر توطئه گر "متکوک" با پخش شایعات مختلف و توزیع اعلامیه های جعلی درصدد ایجاد تشنج در اذهان عمومی برآمده اند.

از آن جمله است تراکتی تحت عنوان "دعوت به میتینگ" که از طرف عناصر متکوک با امضای (جناح مستقل — بخشی از کادرها)، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پخش شده ودر آن، روز پنجشنبه ۲۹ خرداد، ساعت ۵ بعدازظهر در میدان آزادی دعوت به میتینگ شده است.

ما بدینوسیله رسما" اعلام میداریم که این تراکت از سوی افراد متکوکی پخش شده که بهیچوجه به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ربطی ندارد. لذا ما از هواداران می‌خواهیم با هوشیاری انقلابی هرچه بیشتر به افشای توطئه های گوناگونی که طی روزهای اخیر از طرف عناصر طلبان ومواضع به امپریالیسم شایع میگردد بپردازند و نیروهای ناآگاه را نسبت به آن آگاه سازند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۸ خرداد ماه ۵۹

آقای قدوسی، تیمسار جنایتکار را آزاد میکند

رژیم جمهوری اسلامی که چاره ای جز راه اندازی نظام آسیب دیده سرمایه داری وابسته نمیشناسد، از همان ابتدائی که رژیم شاه با اراده خلق سرنگون شد دست به بازسازی وترمیم نهادهای زدکه تا یکروز پیش، رژیم جنایتکار شاه را پاسداری مینمودند!

ارتش ضدخلقی ساواک جهنمی وهمه ارگانهای پلیسی و اطلاعاتی رژیم و یا جنایتکاران ورژنرالهایی که سالهای متمادی تحت آموزشهای ضدخلقی مستشاران آمریکائی و اسرائیلی تربیت شده بودند و سراسر زندگی کثیفشان با توطئه گری و جنایت وکشتار توام بوده با تغییر نام یا با توبه واستغفار مقرب درگاه جمهوری اسلامی شده وبه خدمت آن درآمده اند!

سندی را که ملاحظه میکنید مربوط به تیمسار جنایتکاریست که حتی در روزهای قیام هم همچنان به توطئه گری علیه انقلاب وکشتار مردم مشغول بود. او که از وحشت قیام عرصه جنایتکاریهایش را به جنگلهای گیلان کشیده بود و بدست خلق قهرمان مازندران برده شد. امروز به همت حضرات صاحب منصب، آقای قدوسی وبه توصیه سایر فرماندهان جنایتکار همسنگرش، آزاد گردیده ومطابق اسنادی که ملاحظه میکنید، به سرکوب نیروهای خرابکار! مشغول گشته است! جالب اینجاست که در حمایت و پشتیبانی از چنین عنصر خبیث وخودفروخته ای، دادستان کل جمهوری اسلامی — دفتر امام وفرماندهان کل ارتش، درکنار یکدیگر قرار دارند.

این سند برای آگاهی عموم، بویژه آنهائی که ماهیت حاکمیت کنونی را از روی شجره نامه یا گرایشات ضعیف ضدامپریالیستی عناصری از هیئت حاکمه، ارزیابی میکنند، قابل توجه است.

با عتقاد ما آنهاکه جناحی از حاکمیت را ناجی خلق معرفی میکنند وپرولتاریا را به حمایت از آن میخوانند، آگاهانه ویا ناآگاهانه امپریالیسم را ورای مرزها تطهیر میکنند و به جای آگاه کردن مردم از پایگاه داخلی امپریالیسم (یعنی همین ژنرالها و امرای ارتش شاه — یعنی همه عناصر وابسته به سرمایه جهانی یعنی همه لیبرالهائی که برنامه خود را مطابق خواست ومنافع امپریالیست ها "ایجاد نظم" (بخوان سرکوب وکشتار) "احیاء اقتصاد و افزایش تولید" (وابسته) قرار داده اند.) توده ها را فقط از خطرات برون مرزی وعمالی چون پالیزبان میترسانند و با تاکید روی حمله نظامی آمریکا — اذهان را منحرف میکنند و نمی‌گذارند مردم بفهمند که چگونه پستهای مهم و اهرمهای اصلی اعمال حاکمیت زیر نظارت و در دست آنان قرار می‌گیرد؟

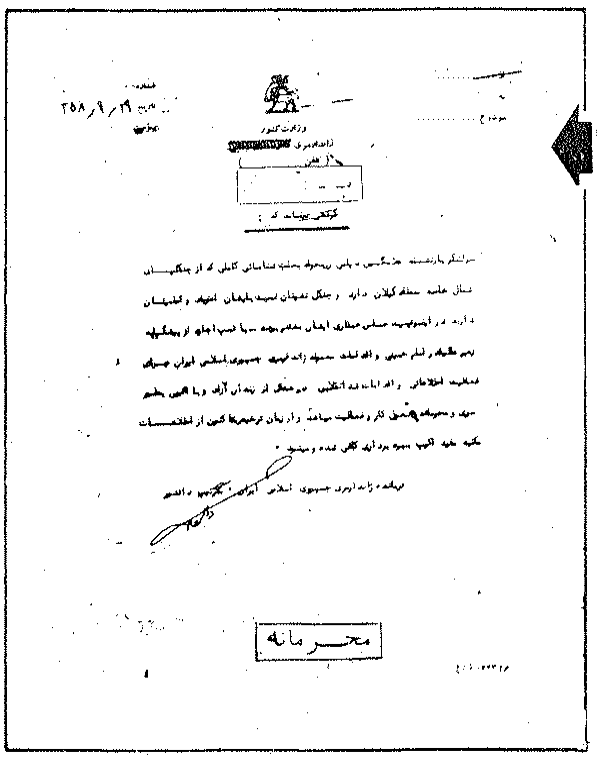

وزارت کشور
دادستانی کل انقلاب
۲۵۸/۹/۲۹

محرمانه

متن سند

حضور جناب مستطاب آیت الله قدوسی دادستان محترم جمهوری اسلامی ایران

محترما" بطوریکه استحضار دارند اینجانب سرتیپ بازنشسته ژاندارمری غلامحسین دیلمی رزمخواه از روزیکه از زندان با اجازه مرخص شده ام طبق اوامر امام ونیاز اداره ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران تاکنون در طرح عملیاتی پیگیری و شناسائی عوامل ضدانقلاب در جنگلهای شمال فعالیت داشته و همکاری لازم و موثر بعمل آورده ام که در پرونده مربوطه موجود و بطور مستمر ادامه دارد. چون از لحاظ مالی در مضیقه هستم استدعا دارم

..... اوامر امام برای بخشش بدهی اینجانب و اجازه پرداخت حقوق بازنشستگی و بازگشائی حساب بانکی اینجانب و ..... جهت انجام معاملات مورد ضرورت و احتیاج، اوامر لازم و مقتضی صادر فرمائید.

با تقدیم احترام
غلامحسین دیلمی رزمخواه
۱۳۵۸/۸/۲۲

محرمانه

www.iran-archive.com

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر